

روند آگاهی یافتگی ایرانی‌ها به مسئله نفت و اعتراض‌های صورت گرفته به شرکت نفت ایران و انگلیس

محمد حسن نیا^۱

مقدمه:

جامعه ایرانی از قدیم‌الایام به نفت و کاربردهای آن آشنایی نسبی داشت و این سخن که ایرانی‌ها نخستین بار با کشف نفت در سال ۱۹۰۸م با نفت و کاربرد آن آشنا شد، سخن عبث و بیهوده‌ای است که برخی منابع خارجی عنوان می‌کنند. اما استفاده صنعتی و صدور نفت از ایران پس از کشف نفت در مسجد سلیمان در سال ۱۹۰۸ صورت گرفت. در مورد نقش کارگران ایرانی که در عملیات اکتشافات و حفاری نفت مشارکت داشتند نیز باید عنوان کرد که کارگران ایرانی پیش از آنکه برای شرکت بهره‌برداری اولیه و سندیکای امتیازات فعالیت کنند، در نفت باکو که یک دهه پیش از انعقاد قرارداد داری فعالیت و اکتشافات نفتی شروع شده بود؛ مشغول به کار بودند. در اواخر سده ۱۹م هزاران کارگر ایرانی در قفقاز به ویژه در کارخانه‌های نفت باکو فعالیت می‌کردند. آمارهایی که درباره شمار این کارگران در اواخر سده ۱۹ یا سال‌های نخست سده بیستم میلادی وجود دارد بسیار قابل تأمل است. و فقط در سال ۱۹۰۴م یعنی دو سال مانده به وقوع جنبش مشروطه، برای ۵۴۸۴۶ نفر عمده معمولی ایرانی ویزای مهاجرت به خاک روسیه صادر شده بود. در سال ۱۹۰۵م شمار ایرانیان مهاجر به روسیه سیصد هزار نفر گزارش شده است که بیشتر این مهاجران کارگران بودند. برای نمونه شمار کارگران ایرانی در صنعت نفت باکو از ۱۱/۱ درصد در سال ۱۸۹۳م

۱. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران.

به ۲۲/۲ درصد در سال ۱۹۰۳م افزایش یافت و در حالی که شمار کارگران ایرانی در صنعت نفت باکو در ۱۹۰۵، حدود ده هزار نفر برآورد می‌شود؛ تا سال ۱۹۲۰م به حدود صد هزار نفر (یعنی ده برابر) رسید.^۱ برادران نوبل که از جمله استخراج‌کنندگان نفت در باکو بودند برای کارگران خود در آنجا حقوقی قائل شده بودند و بسیاری از کارگران ایرانی نیز تحت‌نظر برادران نوبل در نفت باکو کار می‌کردند که البته بیشتر این کارگران از نواحی آذربایجان و شمال ایران بودند. چه بسا پس از تشکیل شرکت نفت ایران و انگلیس برخی از این کارگران به شرکت نفت ایران و انگلیس پیوسته باشند و در زمینه آگاهی‌یافتگی کارگران ایرانی نفت جنوب ایران از حق و حقوق خود تاثیرگذار باشند و اعتراض‌هایی که از طرف دولت ایران و مردم مناطق نفت‌خیز جنوب ایران به شرکت نفت ایران و انگلیس صورت گرفته است در همین راستا قابل توجه است و نشان از آن دارد که پس از تشکیل شرکت نفت ایران و انگلیس مسائل حقوقی و اعتراض‌هایی نسبت به عملکرد این شرکت صورت گرفته است. در مقابل شرکت نفت ایران و انگلیس نیز نسبت به عملکرد دولت ایران و مسئله گمرکات اعتراض‌هایی داشته است که در این اسناد که در ادامه می‌آیند به آنها پرداخته می‌شود. این نوشتار در نظر دارد با آوردن پیشینه نفت در ایران نگاه‌ها را به آگاهی یافتگی ایرانی‌ها به مساله نفت متمرکز کند و در ادامه نیز با اعتراض‌هایی که نسبت به عملکرد این شرکت صورت می‌گیرد، آگاهی ایرانی و دیپلماسی فعال ایران را در قبال شرکت نفت ایران و انگلیس نشان دهد.

پیشینه نفت در ایران

ایرانیان از پنج شش هزار سال پیش از نفت جهت مصارف دارویی، ساخت و ساز و به عنوان مشعل پرستشگاه‌ها و جنگ‌ها استفاده می‌کردند. در منابع تاریخی نیز به کرات در مورد شیوه استفاده از نفت از ادوار پیشین تاکنون مطالبی آورده شده است. اکتشافات زمین‌شناسی که در شوش صورت گرفت، نشان می‌دهد که از زمان سومریان یعنی ۵ یا ۶ هزار سال پیش قیر که یکی از مشتقات نفت است، برای استحکام ساختمان‌ها، چسباندن دسته‌های ابزار و اسباب، نصب جواهرات، گرفتن سوراخ‌های ظروف سفالین و اندودن بدنه خارجی قایق‌ها استفاده می‌کردند.

هرودت مورخ سده پنجم پیش از میلاد نخستین فردی است که راجع به مسأله نفت و استفاده از این ماده در ایران می‌نویسد که در آردریکا محلی است که ۲۱ فرلانک در هشت فرلانک یک میل انگلیسی و ۳۷/۵ میل یک فرسنگ است. از شوش دور است و چهل فرلانک دورتر از آن محل چاهی است که مردم سه ماده قیر، نمک و روغن از آن بیرون می‌آورند و برای بیرون آوردن چرائقالی بدین طریق به کار می‌برند که پوستی سطل مانند محکم بدان نصب می‌کنند آن پوست را در چاه سرازیر کرده هنگام بیرون آمدن پر از ماده می‌شود که همچنان که بالا آمد به دیگی ریخته می‌شود، برای آنکه آن ماده را بیالایند آن را از دیگی به دیگ دیگر می‌ریزند و آن ماده که ایرانیان آن را رادیناک Rhadinace می‌نامند ماده‌ایست سیاه‌رنگ با

۱. داریوش رحمانیان، جنبش مشروطه، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۰، ص ۳۲-۳۳.

روند آگاهی یافتگی ایرانی‌ها به مسئله نفت... / محمد حسن نیا

بویی متعفن که نمک و قیر در آن به طور جامد شناورند. این محل گویا در نزدیکی مسجد سلیمان کنونی بوده است. گفته‌های هرودت از زبان یک مورخ غیر ایرانی به خوبی نشان می‌دهد که جامعه ایرانی از ادوار پیش از میلاد با مسأله نفت و فواید آن در کاربردهای روزانه آشنا بوده است و حتی شیوه تصفیه اولیه را نیز می‌دانست و اینکه جامعه ایران را در سده بیستم همزمان با کشف نفت در مسجد سلیمان در سال ۱۹۰۸ جامعه‌ای بیگانه با نفت و ناآشنا به فواید این ماده بدانیم سخنی عبث و بی‌پهلو است. در جای دیگر هرودت ضمن داستان محاصره شهر آتن از طرف ایرانیان می‌نویسد: ایرانیان از روی تپه‌ها تیرهای فروزان به سنگرهای یونانیان پرتاب می‌کردند و معلوم است که تیرها آلوده به نفت بوده چون در غیر این صورت هنگام پرتاب سریع خاموش می‌گردید.^۱

پلوتارک مورخ یونانی نیز در کتاب خود می‌نویسد: هنگامی که اسکندر از کشور بابل می‌گذشت در یکی از شهرهای استان اکباتان مردم برای خوش آمد اسکندر نفت را روی جاده ریختند و آتش می‌زدند تا شعله‌های فروزان آن موجب مسرت اسکندر گردد. وی همچنین عنوان می‌کند که در ایران و کشورهای مجاور آن نفت از دیرزمانی وجود داشته و مردم آن ممالک به انواع مختلف حتی برای جشن و آتش‌بازی از آن استفاده می‌کردند. مارسلینوس نیز که به همراه ژولین امپراتور روم در جنگ با شاپور دوم شرکت داشته در کتاب خود آورده است ایرانیان برگ‌های گیاه مخصوصی را در روغن خیس کرده و سپس مایع دیگری به نام نفت بر آن می‌افزودند، آنگاه تیرهای جنگی خود را در آن گذارده آتش می‌زدند و به طرف دشمن پرتاب می‌کردند، و دقت می‌کردند کمان را آهسته رها کنند تا تیر به سرعت رها نگردد و آتش آن خاموش نشود، این تیرها به هر جا که می‌رسید، ایجاد آتش می‌کرد و آتش آن با آب خاموش نمی‌شد و فقط ریگ و شن آن حریق را می‌خواباند. پروکوپوس مورخ بیزانس در همین راستا و چگونگی استفاده ایران‌ها از نفت می‌نویسد: سپاه ایرانیان هنگام دفاع قلعه پترا واقع در قفقاز با اسلحه‌های نفتی رومیان مهاجم را می‌راندند و کوزه‌های بسیاری از گوگرد و قیر انباشته شده بود آتش زدند و به هدف رومیان پرتاب کردند و توانستند بدان وسیله حریقی راه بیندازند که تقریباً همه چیز را سوزاند.^۲

آوردن مطالب فوق راجع به تاریخ نظامی ایران و استفاده از نفت در جنگ‌ها که از منابع یونانی و رومی آورده شده است، نشان از آشنایی بیشتر مردم ایران با نفت و شیوه‌های استفاده از آن در جنگ دارد. اگر در جنگ جهانی اول نفت عامل پیروزی متفقین بوده است و منابع به وفور از نقش نفت در این پیروزی‌ها سخن به میان می‌آورند ما باید عنوان کنیم که ایرانی‌ها در چند هزار سال قبل به فواید نفت و استفاده از آن در جنگ پی برده بودند و کشورهای اروپایی و آمریکا پیشگامان استفاده از نفت در جنگ نیستند. اما عامل دیگری که استفاده از نفت را در ایران پیش از اسلام روشن‌تر می‌سازد و هنوز نیز آثاری از

۱. مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران. تهران: نشر علم، ۱۳۸۴، ص ۸.

2. Marcellinus.

۳. همان، ص ۸ و ۹.

آن در گوشه و کنار ایران دیده می‌شود، استفاده از نفت در آتشگاه‌های زرتشتی است. مذهب رسمی ایران در پیش از اسلام آیین زردشتی بود و در این آیین آتش به عنوان مظهر اهورامزدا که روح خیر و شادی است مورد تقدیس قرار می‌دادند و ایرانی‌ها آتشگاه‌هایی در سراسر ایران دایر کرده بودند که برخی از این آتشگاه، آتشگاه‌های رسمی بودند و در روشن نگاه داشتن آتش در آنها از چوب و هیزم استفاده نمی‌شد و این آتشگاه پیوسته مشتعل بودند که به آنها آتش جاویدان می‌گفتند. از جمله این آتشگاه‌های جاویدان، آتشکده آذرگشسب در جنوب آذربایجان بود. با تحقیقات صورت گرفته و بر اساس اسناد و منابع می‌توان پی برد که این آتشکده بر روی منابع نفت و گاز قرار داشت. این آتشکده تا دوران اسلامی نیز آتش در آن برقرار بود. ولی در زمان مغول در محل آتشگاه مسجدی بنا گردید و دیگر آتشی در آن روشن نشد. این آتشکده‌هایی که سوخت آنها از نفت بود در خراسان، فارس و قم نیز بر پا بودند.^۱ در شاهنامه فردوسی نیز اشعاری در مورد استفاده از نفت در جنگ در زمان حمله اسکندر به هند عنوان شده است که برخی از این اشعار عبارتند از:

چو اسکندر آمد به نزدیک فور	بدید آن سوار و سپه را ز دور
خروش آمد و گرد رزم از دو روی	برفتند گردان پرخاشجوی
به اسب و به نفت آتش اندر زدند	همه هندیان دست بر سر زدند
از آتش برافروخت نفت سیاه	بجنبید از آن کاهنین بُد سپاه
ز لشکر برآمد سراسر خروش	به زخم آوریدند پیلان به جوش
چو خرطوم‌هاشان بر آتش گرفت	بماندند از آن پیلانان شگفت ^۲

تیمور لنگ نیز همانند اسکندر در جنگ با هندی‌ها از نفت استفاده کرد و در *عجایب‌المقدور* در این مورد آمده است: گویند که شتر در بلاد هندوستان نیست و پیل از دیدن هیئت آن رمیده باز می‌گردد. تیمور بفرمود تا پانصد شتر رمنده آوردند و ریسمان‌ها و فتیله‌های به روغن آلوده در درون نی‌ها نهادند شتران را بدان گرفتار کردند و پیشاپیش سواران برآمدند. چون دو صف به یکدیگر پیوست آتش درین‌ها برافروختند و در برابر پیلان فرستادند. شترها به گرمی آتش به رقص درآمده بانگ برآوردند و به سوی پیلان حمله کردند. پیلان رمنده که اشتران جهنده را با هملگی عجیب و بانکی غریب رقص کنان و نعره‌زنان بزیر کوه‌های آتش فشان به جنبش دیدند از هر که روی بگرداندند و راکب و راننده را بر زمین افکنده تن و اندامشان بکوفتند و سواره و پیاده را در زیر پای خرد کرده و درهم شکستند.^۳

ایرانی‌ها از نفت در جشن‌ها، سرگرمی‌ها، مراسم آتش‌بازی و از نفت سفید به عنوان دارو استفاده می‌کردند و مومیای را که از ترکیبات مواد نفتی است به عنوان یکی از مؤثرترین داروها برای شفای بیماری‌ها و رفع شکستگی استخوان به کار می‌بردند. عرب‌ها نیز استفاده از نفت را در جنگ‌ها از ایرانی‌ها و رومی‌ها

۱. محمد علی موحد، *نفت ما و مسائل حقوقی آن*، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۳، ص ۹ و ۱۰.

۲. ابوالقاسم فردوسی، *شاهنامه فردوسی*، به کوشش عبدالله اکبریان راد، تهران: الهام، ۱۳۸۶، ص ۹۷۸.

۳. ابن عربشاه، *زندگانی شگفت آور تیمور*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲۵۳۶، ص ۱۰۳ و ۱۰۲.

یادگرفتند و نفت را در داخل ظرفی که قاروره نام داشت آتش می‌زدند و به میادین جنگ به سوی دشمن پرتاب می‌کردند. در مجموع صنف «نفت‌انداز» در میان سپاهیان، دسته تخصصی جداگانه‌ای بودند که به نفتی یا نفاط یا رزاق مشهور بودند و به نظر می‌رسد نفاطها از لباس مخصوصی استفاده کردند که در مقابل آتش از ایمنی بیشتری برخوردار بود.^۱

در سفرنامه‌های ایرانی و خارجی نیز از وجود نفت و آشنایی ایرانی‌ها با نفت مطالب زیادی وجود دارد. از جمله یاقوت حموی در *معجم‌البلدان* راجع به نفت بادکوبه می‌نویسد: «بادکوبه در ایالت شیروان نزدیک دربند است در این شهر چشمه بزرگی از نفت است که روزی هزار درهم نفت می‌دهد. کنار آن چشمه دیگری از نفت سفید است که مانند روغن رقیق می‌باشد و شب و روز جاری است و عایدی این چشمه هم مانند چشمه اولی می‌باشد باز آنان موثقی به من گفت که در آنجا از یک قطعه زمینی شعله آتش جاودان برمی‌خیزد و هیچگاه خاموش نمی‌شود.^۲

حمدالله مستوفی قزوینی در *نزهة القلوب* می‌نویسد:

«مومیای معادنش بسیار است، آنچه در ایران است معدن بدیه آبی از توابع شبانکاره کوهی است که از قطرات فرو می‌چکد و چون موم منجمد می‌گردد و آنرا موم آبی گفته‌اند، مومیائی اسم علم آن شد. معدن دیگر بدیه صاهک از توابع ارجان فارسی معدنی بحدود موصل فقط معادن بسیار دارد. و در ایران زمینی بزرگترش معدن باکویه است و آنجا زمین چاه‌ها حفر می‌کنند تا بزهاب می‌رسد. آبی که از چاه‌ها برمی‌آید فقط بر سر آب می‌باشد. معدنی بحدود موصل معدن مابین پیات و بند پنجین و معدن دیگر ولایت معدنی مابین‌خارا و اشروسنه معدن بکوه اسپره از توابع فرغانه.^۳

شاردن که در اواخر قرن هفده می‌نویسد: «نفت سیاه و سفید در مازندران یافت می‌شود و آن را برای رفع سرماخوردگی و روشنائی سوخت و رنگ کردن اشیاء و مخلوط کردن آن با رنگ‌های دیگر به کار می‌برند.^۴ این بطوطه جهانگرد معروف در سده هشتم در دیدار از بغداد عنوان می‌کند «شماره گرمابه‌های بغداد زیاد و نوع آن بسیار عالی است، سطح بیشتر این گرمابه‌ها را با قیر اندود کرده‌اند بطوری که انسان در نگاه اول خیال می‌کند از مرمر سیاه است. قیر را از معدنی که در میان بصره و کوفه واقع است، استخراج می‌کنند، از این معدن دائماً قیر می‌جوشد و در اطراف و جوانب آن به صورت گل و لا جمع می‌شود و آن را به وسیله بیل جمع می‌کنند و به شهر می‌آورند. حمام‌های بغداد خلوتی‌های متعدد دارد که داخل آن‌ها را با قیر اندود کرده‌اند، از سطح زمین تا کمر دیوار قیر مصرف شده اما نیمه بالاتر دیوار به وسیله گچ سفیدکاری گردیده و جمع بین سیاهی و سپیدی زیبایی خاصی را به وجود آورده است. در داخل هر خلوتی یک حوض مرمری

۱. محمد علی موحد، پیشین، ص ۱۱-۱۳.

۲. مصطفی فاتح، پیشین، ص ۱۰.

۳. همان، ص ۱۱.

۴. همان، همانجا.

وجود دارد و شیر آب گرم و آب سرد می‌باشد.^۱ مارکوپولو می‌نویسد «در سر حد ارمنستان و گرجستان چشمه نفتی موجود است که مقادیر زیادی نفت از آن بدست می‌آید و در یک وقت کشتی می‌تواند از آن بارگیری کند، این روغن برای خوراک مناسب نیست ولی برای روشنایی مصرف می‌شود و شترهایی که مبتلا بامراض جلدی هستند با نفت معالجه می‌شود.»^۲

اعتمادالسلطنه نیز در سفرنامه خود در رکاب ناصرالدین به باکو سفر کرده و چون باکو تا پیش از جنگ‌های ایران و روس جزء قلمرو ایران بود و آتشکده‌هایی در آنجا وجود داشت که به کمک نفت و گاز فعالیت می‌کردند راجع به نفت آنجا می‌آورد. «در پنجشنبه هفدهم به معدن نفت رفتیم، فی‌الواقع بادکوبه از حیثیت نفت اول مملکت روی زمین است. چاه‌های زیاد در جایی که معروف به بالاخانه است حفر شده و با تلبه نفت را از چاه بیرون می‌آورند. در این ایام چاه تازه حفر کرده ه نفت مثل فواره زیاد از پنج سنگ آب به ارتفاع ده ذرع از دهنه چاه متصل جاری است به طوری که هفت دریاچه در اطراف این چاه از نفت مملو شده و پنج من نفت سیاه پارسال شش قران بود حالا به واسطه این چاه تازه ده شاهی شده است از بالاخانه به صوری خانه که کارخانه میرزایف است، رفتیم، میرزایف نفت سیاه را تقطیر کرده سفید می‌کند و کورورها سرمایه و دخل دارد. معبد آتش پرستان هندی و پارسی در صوری خانه است. عمارتی است مربع و حد وسط آن عمارت به طرز گنبد طاقی بنا شده است که چهار طرف آن باز است، وسط گودالی است که آتش از وسط آن بیرون می‌آید، اطراف حجرات است، از هر حجره منفذی تعبیه نموده‌اند که آتش از میان آن بیرون می‌آید، یعنی هر وقت بخواهند که سر یکی روشن کرده در معاذی آن منفذ می‌گیرند هوایی که خارج می‌شود مشتعل می‌گردد. در صحرای اطراف به مساحت چهار هزار ذرع مربع تقریباً تمام زمین مشتعل است... در محاذی همین آتشکده قدری دور از ساحل وسط دریا معادن نفت است که از زیر آب بیرون می‌آید به واسطه لطافتی که نفت دارد، بر روی آب می‌ایستد هر کس مایل باشد کشتی کوچکی اجاره کرده وسط دریا می‌رود و پنبه‌ای آتش زده روی آب می‌اندازد اگر دریا مواج و متلاطم نباشد تمام این دریا یک پارچه آتش می‌شود من مجال نکردم بینم اما این روایت را شنیدم»^۳

در خوزستان نیز مردم تا پیش از کشف نفت و شکل‌گیری شرکت نفت ایران و انگلیس و حتی پس از آن مردم از قیر و نفت خامی که به صورت چشمه از زمین بیرون می‌زد، استفاده می‌کردند و در شوشتر خانواده‌ای هست بنام سیدهای قیری که مدارکی را در دست دارد و عنوان می‌کنند که زمین‌های نفت خیز مسجد سلیمان متعلق به آن‌ها می‌باشد. این سادات همواره نفت و قیر مورد احتیاج مردم دزفول، شوشتر و تا حدود سراسر خوزستان را تامین می‌کردند. در مسجد سلیمان که سادات قیری مدارکی از اختصاص

۱. ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، تهران: موسسه انتشارات آگاه، ج ۱، ۱۳۷۰، ص ۲۷۴ و ۲۷۳.

۲. مصطفی فاتح، پیشین، ص ۱۰.

۳. اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، مرآة البلدان، به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی و میر هاشم محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، ۱۳۶۶، ص ۲۵۵-۲۵۳.

زمین‌های نفت خیز آن جا به خود را دارند دره‌ای وجود دارد که به دره نفت مشهور است و نقاط گوناگون این دره نفت سیاه مخلوط شده با آب تراوش می‌کند و در وسط دره آب روان است و سیدهای قبری با استفاده از شیوه تصفیه اولیه حوضچه‌هایی به ارتفاع یک متر و طول و عرض دو متر در کنار جوی می‌ساختند و در مرکز حوضچه سوراخی می‌کنند که به جوی آب منتهی می‌شد و نفت‌هایی را که از چشمه‌ها در سراسر دره سرازیر می‌شد با پوست بز حمل می‌کردند و سپس آن را به حوضچه می‌ریختند، نفت جمع شده در حوضچه را آتش می‌زدند و پس از مدتی که از سوختن نفت می‌گذشت، قیر حاصله در طبقه پایین حوضچه قرار می‌گرفت در آن زمان با میله‌ای فلزی سوراخ از قبل کنده شده در ته حوضچه را باز می‌کردند و قیر به دست آمده در جوی آب می‌ریخت و چون به آب می‌رسید حالت جامد پیدا می‌کرد. و سادات قبری آن را جمع کرده و جهت فروش به بازارهای شوشتر و جاهای دیگر خوزستان می‌بردند و در این شهرها قیر را برای گرفتن سوراخ‌هایی که در قایق‌ها ایجاد می‌شد و موارد دیگر به کار می‌برد و حتی طبق آن سنت اولیه در حال حاضر نیز از قیر در شهرهای خوزستان برای استحکام ظروف و گرفتن منافذ سیدهای ظروف استفاده می‌شود. علاوه برای استفاده از قیر توسط خانواده‌های سادات قبری آن‌ها نفت خام را در مشک‌هایی که از پوست بز تهیه می‌شد، می‌ریختند و برای فروش به جاهای دیگر می‌بردند.^۱ و شهر مسجد سلیمان و کشف نفت در آنجا نیز نشان از کشف نفت در جایی دارد که پیش از این آتشکده بوده است و آتش این آتشکده از گاز طبیعی تأمین می‌شد.^۲ براساس شواهد تاریخی و باستان‌شناسی به کشف نفت در آنجا پرداخته گردید. تمام موارد ذکر شده که از منابع و مأخذ معتبر گرفته شده، نشان می‌دهد که جامعه ایرانی چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام تا دوران اکتشافات نفت به صورت تجاری با نفت و گاز آشنا بوده است، حتی شیوه‌های پالایش اولیه را می‌دانسته‌اند و در فواید کاربرد نفت در زندگی روزمره دانش و آگاهی‌هایی داشتند و حتی اسنادی از نشست‌های دولتمردان ایرانی پیش از امتیاز وجود دارد که نشان می‌دهد، دولتمردان ایرانی تا پیش از سده بیستم کاملاً به اهمیت نفت پی برده بودند و شاید کشف نفت در باکو و اشتغال کارگران ایرانی در صنعت نفت آن جامعه ایرانی را با حق و حقوق کارگران نفتی آشنا کرده بود و این کارگران در خیلی از موارد به اعتراض در عدم رفاه خود در باکو می‌پرداختند. همچنین راجع به نفت باکو لازم به ذکر است که باکو در منطقه‌ای واقع است، که پیش از این بخشی از قلمرو ایران محسوب می‌شد و تا سال ۱۸۱۳ به ایران تعلق داشت.^۳ در قرن نوزدهم در طی معاهده‌ای غیرمنصفانه به روسیه ضمیمه گردید و نفت‌های زیرزمینی آنجا پیش از اینها به سطح زمین نشت می‌کرد، جمع‌آوری می‌شد و برای سرگرمی میهمانان آتش زده می‌شد. بهره‌برداری از این نفت‌ها به دلیل اینکه در سال ۱۸۶۱ به تاجری بنام «میرزایف» واگذار شده بود، مدتی به تأخیر افتاد و پس از اینکه دولت وقت روسیه این قرارداد انحصاری را

۱. کاظم افشین، نفت و خوزستانیان، تهران: شرکت چاپخانه فردوسی، ۱۳۳۳، ص ۲۶ و ۲۵.
2. oil in iran, 1971, p.15.

۳. لئونارد ماسلی، نفت، سیاست و کودتا در خاورمیانه، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: شرکت انتشاراتی رسام، ج ۱، ۱۳۶۶، ص ۴۰.

لغو کرد و قطعات زمین آنجا را به حراج گذاشت، فعالیت‌های اکتشافی و استخراج و بهره‌برداری از نفت خام شدت پیدا کرد. چاه‌های باکو را به جهت اینکه شن و خاک را چند صد پا به هوا پرتاب می‌کرد، چاه‌های جهنده نام گذاشته بود و اگر به سرعت مه‌بار نمی‌شدند، نفت خارج شده از چاه‌ها به صورت دریاچه‌هایی از مایعی سیاه در آن حوالی درمی‌آمدند.^۱

تا پیش از ورود کارگران طی نسل‌های متمادی، مردم محلی با درد و رنج بسیار چاه‌های نفت را با دست خود کنده کیسه‌های نفتی را پر از نفت می‌کردند و آنها را در بازار به عنوان وسیله سوخت یا نفت می‌فروختند. سپس در دهه ۱۸۷۰ یک نفر اولین مته بخار را به قفقاز آورد. این مته از نوع مته‌هایی بود که استفاده از آن دگرگونی در صنعت نفت پدید آورد و راکفلر را میلیاردر کرد. آنان، این قطعه فلزی را به داخل خاک نرم و شنی فرو کردند و چیزی بیرون آمد که مردم محل آن را «چاه نفت فوران‌دار» نامیدند و در ۱۲۴ پایی زمین به نفت رسیدند و از آن لحظه به بعد بود که هجوم دست‌اندرکاران و کارگران نفتی به قفقاز آغاز گردید.^۲ ارمنی‌ها، قزاق‌ها، تاتارها و ایرانی‌ها نیز مانند اروپایی‌ها به قفقاز آمدند.^۳ اما وضع کارگران صنعت نفت باکو بسیار اسف‌بار بود. بومیان تاتار و هاتی‌ها گرجی که برای صاحبان امتیاز نفت کار می‌کردند، طبقه ضعیف را تشکیل می‌دادند و در شرایط خفت‌باری زندگی می‌کردند و به کار مشغول بودند. محل زندگی آنان را یک رشته کلبه‌های چوبی تشکیل می‌داد که در منطقه‌ای در ده میلی باکو قرار داشت و آن را شهرک سیاه می‌نامیدند. این منطقه در نزدیکی چاه‌های نفت بود و فوران آن خیابان‌ها و خانه‌های آنان را پیوسته خیس می‌کرد، هوا انباشته از بوی تعفن آمیز نفت بود و در برابر ساعات طولانی کار دست‌مزد اندکی دریافت می‌کردند.^۴ چه بسا کارگران ایرانی که در اسناد هم از نارضایتی آنها نام برده می‌شود جز آن دسته از کارگرانی بودند که تحت فشارهای مختلف در صنعت نفت باکو کار می‌کردند. اما علیرغم تمام مضراتی که صنعت نفت باکو برای کارگران داشت ممکن بود که آنها را با شیوه حقوق‌کاری آشنا سازد. همچنین در این سال‌ها فروش نفت سفید روسیه و در نهایت آمریکا در بازارهای ایران ادامه داشت و روس‌ها در نظر داشتند خط لوله نفت از دریای خزر و شمال ایران به خلیج فارس بکشند. برای روس‌ها ایران و مناطق خاورمیانه جاذبه‌های دوگانه داشت به دلیل این که ایران هم بازار مصرف خوبی برای روس‌ها بود و هم پتانسیل خوبی جهت تولید نفت داشت. لذا رقابت در ایران بین شرکت‌های نفتی جهت فروش نفت به وجود آمد که در این معرکه به خاطر موقعیت برتر نفت روسیه و این که روسیه نفوذ تجاری بیشتری در ایران به ویژه بعد از قرارداد ترکمانچای داشت، کلیه بازارهای ایران از نفت روسیه تغذیه می‌شد. دلیل موفقیت روس‌ها در بازار نفت ایران یکی به خاطر قیمت ارزان این نفت و دیگری نزدیکی نواحی نفت خیز

۱. ادرین هامیلتون، *نفت پادشاه قدرت*، ترجمه محمود طلوع مکانیک، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، ص ۷۵.

۲. لئونارد ماسلی، پیشین، ص ۴۰.

۳. ادرین هامیلتون، پیشین، ص ۷۵.

۴. لئونارد ماسلی، پیشین، ص ۴۵۰.

روند آگاهی یافتگی ایرانی‌ها به مسئله نفت... / محمد حسن نیا

باکو به ایران بود که روسیه در آن جا فعالیت نفتی انجام می داد و محمولات نفتی روسیه به طور عمده از طریق بنادر دریای خزر یا از راه خشکی از کراسنودسک روسیه به عشق‌آباد ترکمنستان وارد می‌گردید و از آن جا به ایران حمل می‌شد. در مناطق مختلف کشور پخش می‌گردید. تا سال ۱۳۱۳/۱۸۹۷ هـ ق تجارت مذکور فقط نفت خام را شامل می‌گردید. زیرا برای صدور نفت سفید، معادل روسیه گمرک دریافت می‌گردید و به این دلیل ورود نفت خام توسط تجار روسی یا ایرانی به ایران باصرفه‌تر بود. به ویژه که از سال ۱۳۰۷/۱۸۹۰ هـ ق به بعد چند دستگاه کوچک تصفیه نفت دایر شد که نفت سفید را برای بازارهای داخلی تولید می‌کرد. از تصفیه خانه‌های ذکر شده یکی از آنها توسط محمد ولی خان سپهدار تنکابنی حاکم وقت گیلان و با کمک محمدقلی ملک‌التجار بادکوبه‌ای و سرکیس تومانیاس سرمایه‌دار ارمنی ساخته شد و بعدها نیز یک دستگاه تصفیه توسط خوشتاریا نامی از اهالی روسیه در بندر انزلی و در محوطه مربوط به نفت برادران نوبل بنا گردید.^۱

در مجموع نفت روسیه علاوه بر تسخیر بازارهای ایران به ویژه در استان‌های خراسان - سیستان و اصفهان پا را فراتر گذاشته و بازار نفت هندوستان را نیز قبضه کرده بود. در سال ۱۹۰۱، نود درصد نفت مصرفی هندوستان از روسیه تأمین می‌شد و نفت وارد شده به اصفهان را نیز تجار ایرانی و کمپانی روسی نوبل بر عهده داشتند. وقتی به درخواست کمپانی روسی نوبل و موافقت دولت ایران، مجلس شورای ملی در ایران احداث یک خط نفتی از بندر انزلی به رشت را برای شرکت برادران نوبل در باکو تصویب کرد، در جنوب ایران و به ویژه بوشهر نیز بین نفت وارداتی ایالات متحده و شرکت نفتی اتریش هنگری از یک سو و نفت روسیه از سوی دیگر جهت فروش رقابت‌های زیادی وجود داشت. علیرغم اینکه نفت آمریکا از نظر کیفیت در سطح بالاتری از نفت روسیه قرار داشت، اما به جهت پایین بودن قیمت نفت روسیه خریداران بیشتری در بازار جنوب ایران داشت. حتی رقابت‌ها به درجه‌ای رسید که روس‌ها برای تهدید جدی نفت آمریکا، درخواست احداث خط لوله نفت از باکو به ایران و امتداد آن تا سواحل خلیج فارس کردند. زمانی که نفت در مسجد سلیمان فوران کرد، بازار نفت ایران در دست روس‌ها و آمریکایی‌ها بود^۲ و کشتی‌های روسی نفت را به صورت صندوق به خرمشهر وارد می‌کردند.^۳

مطالب فوق به خوبی بازار نفت ایران و رقابت‌های کشورهای مختلف برای به قبضه درآوردن بازار ایران را به خوبی نشان می‌دهد و بیانگر این است که در فضایی که قرارداد داری در سال ۱۹۰۱ منعقد گردید جامعه ایرانی و دولتمردان ایران به خوبی از اهمیت نفت و نیاز جامعه ایرانی به این محصول را دریافته بودند و از فواید و مضرات این قرارداد خبر داشتند و حتی اقدام به پالایش نفت در شمال ایران برای مصرف بازارهای داخلی می‌کردند. روس‌ها نیز به خوبی به اهمیت بازار ایران جهت فروش نفت پی برده بودند

۱. ایرج کیا، سیر استعمار انگلیس در ایران، تهران: آبی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۱ و ۱۷۲.

۲. همان، ص ۱۷۳ و ۱۷۴.

۳. اسناد بایگانی وزارت امور خارج، سند شماره ۵۳-۱-۱۷-۱۳۲۱ هـ ق

و با آمریکایی‌ها که از فواصل طولانی نفت را برای فروش به ایران می‌آوردند در رقابت بودند. در چنین فضای بین‌المللی دولت ایران اقدام به انعقاد قرارداد داری کرد و با این پیش‌زمینه‌ای که در مورد آشنایی فضای جامعه ایرانی با نفت آورده شده بسیاری از تحقیقات تاریخی که می‌خواهند نشان دهند با قرارداد داری مسئله نفت ایران آغاز می‌شد، کاملاً زیر سؤال می‌رود. اما شاید سؤالی اینگونه پیش آید که با تمام آشنایی‌هایی که مردم و دولت ایران نسبت به مسئله نفت و فواید آن داشتند چرا مفاد قرارداد داری آن چنان که هویداست تأمین‌کننده منافع ملی و نیازهای جامعه ایرانی نیست. شاید با سیری که در قراردادهای نفتی قبل از انعقاد قرارداد داری در ۱۹۰۱ انجام می‌دهیم و عدم موفقیت صاحبان قرارداد برای دستیابی به نفت در ایران بشود تا حدودی به این سؤال پاسخ گفت و این که صنعت نفت بسیار صنعت پرمخاطره‌ای است و ممکن است سرمایه‌های زیادی خرج شود و چاهی به نفت نرسد و صاحب امتیاز سرمایه زیادی را از دست بدهد. به همین خاطر انعقادکنندگان قرارداد تمام جوانب قضیه را در نظر می‌گیرند تا در صورت متضرر شدن کم‌ترین ضرر به آن‌ها برسد. لازم به ذکر است که ما مبحث نفت سده نوزدهم و بیستم کاملاً متفاوت با مبحث این ماده در ادوار پیشین است. در این دو سده ما شاهد ارتباط نفت با سیاست هستیم و اصولاً منشا اصلی و اولیه تأثیر سیاسی نفت برای کشور ایران دولت خارجی و اتباع آنها بوده‌اند. این بازیگران در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم در بهره‌برداری از نفت، منافع اقتصادی و امنیتی را مدنظر داشتند و برای تأمین و تضمین منافع خود ایران را کشور مناسبی قلمداد می‌کردند. چون مالکیت معادن در اختیار حکومت ایران بود، پس به طور طبیعی سر و کار این کشورها با حکومت ایران بود و آنها با نفوذ در حکومت ایران به طرق مختلف می‌توانستند قراردادهایی را که حتی بخشی از آنها نیز مربوط به نفت بود از حکومت ایران اخذ کنند. از اینجا به بعد است که نفت ایران سیاسی شد و شرکت‌ها و اشخاص خارجی با شاهان ایران به ویژه در عصر قاجار قراردادهای نفتی یا قراردادهایی که در آن استخراج نفت آمده بود، منعقد کردند. در همین راستا کسانی که خواستار نفت در ایران بودند از نفوذ دولت‌های خود برای گرفتن امتیاز نفت استفاده می‌کردند و این موضوع خود به خود امر نفت و قراردادهای نفتی را سیاسی‌تر کرد.

مراوده با خارجی‌ها در زمان فتحعلی شاه قاجار به صورت چشمگیری نسبت به گذشته افزایش پیدا کرد و در این زمان قراردادهای نظامی با فرانسه و انگلستان بسته شد. اما در ابتدای حکومت ناصرالدین شاه و دوره صدارت امیرکبیر تأکید بر این بود که امور ایران و از آن جمله منابع و معادن ایران توسط خود مردم ایران بهره‌برداری شود و علیرغم فشارهای روسیه و انگلیس که در دوره امیرکبیر وجود داشت امتیازی به خارجی‌ها به صورت چشمگیر داده نشد و بعد از عزل امیرکبیر از صدارت در سال ۱۸۶۳ انگلیسی‌ها امتیاز تلگراف از بغداد، بوشهر، تهران به هند را دریافت کردند.^۱

موقعیت جغرافیایی ایران در سده نوزدهم توجه دولت‌های خارجی به ایران جهت قراردادهای نفتی و دیگر قراردادها را سبب می‌شد. چون از یک طرف ایران به لحاظ اشراف بر راه‌های اصلی و ارتباط بین آسیا،

۱. میر طیب موسوی، مسایل سیاسی اقتصادی جهانی نفت، تهران: انتشارات مردم سالاری، ۱۳۸۴، ص ۲۴.

آفریقا و اروپا از موقعیت استراتژیک برخوردار بود و در درجه دوم کشورهای اروپایی چشم به منافع گوناگون اقتصادی و تجاری ایران داشتند. در چنین حالتی اگر نقش نفت را نیز در کنار دو عنصر فوق بگذاریم، نشان می‌دهد که به چه صورت باعث جذب کشورهای خارجی به ایران می‌گردد. اما بحث دیگری که در این اسناد مورد بررسی قرار گرفته است، اعتراض‌های صورت گرفته به عملکرد سندیکای نفت جنوب و بعد از آن شرکت نفت ایران و انگلیس است. دولت ایران طبق قرارداد داریسی می‌بایست سالی دو هزار تومان از بابت اجاره برخی از معادن نفت از داریسی دریافت می‌کرد که داریسی در پرداخت آن تعلل می‌کرد و این امر باعث اعتراض دولت و مجلس ایران نسبت به این امر شده بود که در اسناد پیش رو به آنها پرداخته می‌شود. بعد از شکل‌گیری شرکت نفت ایران و انگلیس و گسترش این شرکت، مشکلاتی بین این شرکت با دولت ایران و عثمانی به وجود آمد که از جمله نشت نفت در آب‌های مرزی ایران و عثمانی بوده است و به ویژه دولت عثمانی شدیداً به این امر اعتراض کرده بود و خواستار توضیح شرکت نفت ایران و انگلیس نسبت به این امر گردید. این شرکت نیز پاسخ‌گو گردید و اسناد این مجموعه به خوبی این موضوع را به تصویر می‌کشند. از طرف دیگر سندیکای نفت و بعدها شرکت نفت ایران و انگلیس نیز نسبت به ورود کالا از گمرکات ایران در مناطق مرزی نسبت به عملکرد دولت ایران اعتراضاتی داشته است که در این اسناد به آنها پرداخته شده است.

سند شماره ۱

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت امور خارجه

اداره انگلیس

سواد مراسله سفارت عثمانی

مورخه ۲۸ ج ۱۳۳۱/۱

نمره ۱۳۱۴

موافق شرحی که بابعالی از روی اظهارات ولایات جلیله بصره بسفارت کبری اشعار داشته معلوم می‌گردد یک کمپانی انگلیسی که روی شطالعرب در عبادان داخل محمره نفت بیرون می‌آورد آن نفت باب شطالعرب مخلوط شده و اراضی عثمانی را در دواسر و جواران ضایع و بوی او هم به سوی شمال و جنوب سرایت نموده و اهالی اراضی این ساحل را هم مجبور باشامیدن آب آلوده آنجا گردانیده است چون موافق احکام حقوق بین‌الدول اگر دو دولت مشترکاً مالک ساحل نهری باشند لازم است هر یک از آن از هرگونه معاملات و عملیات که به ضرر دیگری می‌گردد اجتناب نمایند و بدین لحاظ بابعال مقتضی دانسته که در آنجا کمیسیونی مخصوص برای رسیدگی باین مسئله تشکیل یابد اهذاً متمنی است که بر طبق اشعارات فوق‌الذکر تبلیغات الزمه بمواقع مقتضیه اصرار و دوستدار را هم از آنچه مطلوبه آن قرین استحضار فرمایند تا جواب اشعار بابعالی داده آید ... احترامات فایقه را تجدید مینمایند

سواد مطابق با اصل است امضاء: ناخوانا

۲۴۰۰۲۶۷۵۰-۴

سند شماره ۲

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت فوائد عامه

سواد تلگراف وزارتخارجہ سفارت لندن

مورخه ۱۸ مه ۱۹۱۳

سفیر عثمانی مینویسد نطف محمره به آب شطالعرب مخلوط و اراضی عثمانی را در (دوسر) و (جوازان) ضایع می‌نماید و بوی آن بشمال و جنوب سرایت اهالی این ساحل را بخوردن آب نطف آلوده مجبور میکند موافق حقوق اگر دو دولت مشترکا مالک ساحل‌های نه‌ری باشند عملیات هر کدام از آنها نباید مورث خسارت دیگری باشد بنابراین بابعالی می‌خواهد کمیسیون مخصوص در آنجا تشکیل شود بتوسط کمیسر با کمپانی مذاکره و تحقیق نماید آیا مطلبی که سفارت عثمانی اظهار میکند صحت دارد یا نه و در صورت صحت چاره چیست (وثوق الدوله)

سواد مطابق اصل است مهر: دفتر فواید عامه

۲۴۰۰۲۶۷۵۰-۶

سند شماره ۳

نشان تاج شیر و خورشید

وزارت فوائد عامه

سواد ترجمه کاغذ کمپانی در جواب وزارتخارجہ انگلیس

تعلیقہ جنابعالی از تاریخ ۵ این ماه با یادداشت سفیر کبیر عثمانی راجع بانکه آب شطالعرب را عملیات کمپانی ما ناتمیز و ضایع نموده واصل گردید ما مطلب را به وکیل خودمان در محمره رجوع کردیم و متشکر خواهیم بود که التفات فرموده جواب را قدری بتاخیر بیاندازند . تا اینکه ملاحظات وکیل ما راجع به مسئله اظهار شده برسد در هر حال عقیده ما این است که فرستادن یک کمیسیون بآن ترتیب که در یادداشت ذکر شده بشکل غیر لازم است زیرا که ما درست خاطر جمع نیستیم که عملیات کمپانی ابدأ نمی‌تواند اسباب این بشود که آب بآن زیادی شط را ضایع کند و ما خیلی متشکر می‌شدیم اگر جنابعالی ما را مطلع می‌فرمودید که آیا دولت عثمانی حق دارد مداخله در این قبیل مطالب بکند در صورتی که (ریفانری) ما در خاک ایران و در دهنه شطالعرب است و همچنین مرحمت فرموده بما می‌فرمودند آیا دولت عثمانی مصمم شده که مخارج این کمیسیون را متحمل شود.

سواد مطابق با اصل است

مهر: دفتر فواید عامه

۲۴۰۰۲۶۷۵۰-۹

سند شماره ۴

سفارت کبرای

دولت علیه عثمانیه

عدد ۱۳۱۳

۲۸ جمادی الاولی ۱۳۳۱

جناب مستطاب جلالتماب فخامت و مساعد نصاب کفالت انتساب دوستان استظهار مشفق معظم محترم

مهربانا

و موافق شرحی که بابعالی از روی اظهار ولایت جلیله بصره بسفارت کبری اشعار داشته معلوم میگردد یک کمپانی که روی شطالعرب در عبادان داخل محمره نفت بیرون می‌آورد آن نفت باب شطالعرب مخلوط شده و ارضی عثمانی را در دواسر و جوازان ضایع و بوی او هم بشمال و جنوب سرایت نموده و اهالی اراضی این ساحل را هم مجبور باشامیدن آب نفت آلودگی گردانیده است چون موافق احکام حقوق بین‌الدول اگر دو دولت مشترکاً مالک سواحل نهری باشند لازم است که هر یک از آن هرگونه معاملات و عملیات که... ضرر دیگری میگردد اجتناب نمایند و بدین لحاظ بابعالی مقتضی دانسته که در آنجا کمیسیون مخصوص برای رسیدگی باین مسئله تشکیل یابد لهذا متمنی است که بر طبق اشعارات فوق الذکر تبلیغات لازمه بمواقع مقتضیه اصدار و دوستدار را هم از نتیجه مطلوبه آن قرین استحضار فرمایند تا جواب اشعار بابعالی داده آید همواره احترامات فایقه را تجدید مینماید.

۲۴۰۰۲۶۷۵۰-۱۰

سند شماره ۵

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت فوائد عامه

نمره ۴۰۹

مورخه ۹ شهر رمضان ۲۳ برج سرطان ۱۳۳۱

وزارت جلیله امور خارجه

راجع باظهارات سفیر کبیر عثمانی در باب اینکه اقدامات کمپانی آب شطالعرب را نطف آلوده نموده از آقای صدیق السلطنه راپورتی رسیده است که سواد آن را ملفوفاً ملاحظه میفرمایید باین ترتیب یقین است در آتیه از اینبابت تولید شکایتی نخواهد شد و بر حسب اتفاق یک بارج حامل نطف غرق شده است.

مهر: وزارت فوائد عامه

۲۴۰۰۲۶۷۵۰-۱۲

سند شماره ۶

نشان تاج و شیر و خورشید

سفارت اعلیحضرت شاهنشاه ایران در لندن

نمره ۳۱۲۵۷

۲۹ شعبان ۱۳۳۱

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه

در جواب تلغراف نمره ۹۱ در تحت ۱۳۱ تلغرافی عرض کردم و حالا هم اطلاعاً عرض میکنم که در این باب بتوسط کمیسر دولت علیه گفتگوهای لازم شود و چنانچه کمیسر بتوسط وزارت فواید عامه بعرض دولتی رسانده از این مطلب اهمیتی نداشته که اینقدر اسباب نگرانی دولت عثمانی شده باشد از قرار اظهار کمپانی یکی از لوله‌های نفت را بساحل میاورد خراب شده و قدری نفت بشطالعرب ریخته بود لوله را فوراً تعمیر کردند و رفع این مسئله شد.

امضاء: ناخوانا

حاشیه پایین سند: راجع است به شکایتی که سابقاً سفارت عثمانی در باب مخلوط کردن نفت به آب شطالعرب کرده بود و به سفارت لندن تلگراف شد.

۲۴۰۰۲۶۷۵۰-۱۴

سند شماره ۷

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت امور خارجه

مورخه ۱۵ جمادی الثانی ۱۳۳۲

نمره ۳۳۴

استخراج تلگراف رمز لندن

نمره ۹۱ زیارت کمیسر مذاکره نمود در ضمن مطلع شده که سفیر کبیر عثمانی در لندن هم بوزارت خارجه انگلیس عین اظهارات را نموده و وزارت خارجه به کومپانی نوشته کومپانی جواب داد فرستادن کومیسون لازم نیست و یقین دارد عملیات کومپانی آب زیاد شطالعرب را نفت... نخواهد کرد وزارت خارجه بتوسط قونسول محمره و کمپانی بتوسط نماینده خود تحقیقات کرده اند منتظر جواب هستند که به سفارت عثمانی بنویسند جواب سفارت عثمانی را موقوف به تحقیقات آنها بفرمایند که با جواب وزارت خارجه انگلیس به سفارت عثمانی در لندن یک مضمون باشد کومیسر مستدعی است تصمیم دولتی را در باب اضافه کردن راپورت کرده بود به ایشان اطلاع بدهید.

سه شنبه نمره ۱۳۱ مهدی

۲۴۰۰۲۶۷۵۰-۱۷

سند شماره ۸۵

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت فواید عامه

اداره معادن

نمره کتاب ثبت ۱۳۵۶

تاریخ خروج ۲۳ ذی قعدة ۱۳۲۷

جناب جلال‌تصاب اجل صدیق السلطنه کمیسر معادن معادن نطف جنوب دام مجده

مراسله مورخه ۳ نوامبر رسید از آمدن اشخاصی که برای مذاکره معدن نطف با جناب اشرف سپهدار اعظم رئیس الوزراء دامت شوکتہ بایران بیابند مطلع گردید سابقاً هم از این مطلب اطلاع داشت در باب سالی دو هزار تومان و سواد لایحه وکیل شرعی را برای رجوع بحکمیت که ارسال داشته اید بطوری که با پست قبل بعد از رسیدن تلگراف جنابعالی نوشته شده این مسئله سالی دو هزار تومان که کمپانی باید بدهد باندازه واضح است که اینجانب ایداً محتاج نمیداند بحکمیت رجوع شود مطابق قرارنامه حاضره کمپانی متعهد است صد شانزده از منافع معدنی که در حوزه امتیازش کشف می‌کند بدهد بعلاوه سالی دو هزار تومان هم از بابت معادن قصر شیرین و دو محل دیگر که اسم برده شده عاید دارد دیگر در آن قرارنامه هیچ ذکر نشده که کمپانی از کنسول‌های دولت متبوعه خودش تحقیقات کند و هرچه از آنها بصرفه کمپانی بگویند عمل شود در صورتی که شما از عهده بر نمی‌آیید تمام شانزده هزار تومان هشت سال گذشته را وصول و ایصال دارید دقیقاً هشت هزار تومانی که می‌گویند کمپانی میدهد.

امضاء: ناخوانا

حاشیه راست سند: میگیریم و هشت هزار تومان دیگر را برای اینکه ضرر دولت نشود از حقوق کمیسری باقسطا بخواهیم داشت و یا آنکه جنابعالی بتکلیف مأموریت خودتان رفتار کرده بدون تحمل زحمت رجوع بحکمیت و غیره شانزده هزار تومان را گرفته ارسال دارید غیر این دو شق دیگری را اینجانب ... ندارم

امضاء: ناخوانا

۶۰-۲۵۱۶۸-۲۴۰۰

سند شماره ۹

نمره ۱۳۵۲

بیست و یکم سپتامبر ۱۹۰۹

بمستر قرین وی

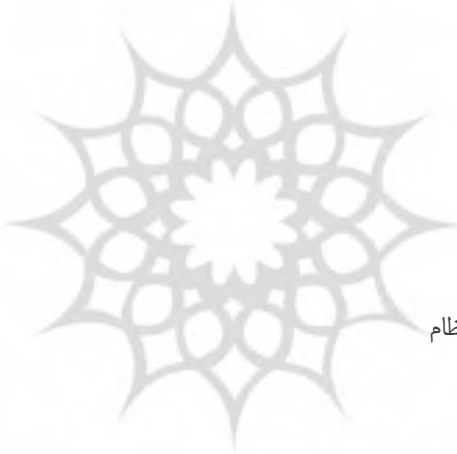
آقا کاغذ تاریخ سیزدهم شهر حال شما واصل گردید تمام مطالبی که شما ذکر کرده‌اید و سؤالاتی که پرسیده‌اید در این کاغذ و کاغذهای سابق کاملاً محل مذاکره گشته و جواب داده شده است. نه فقط با

کومپانی در این شش ماه اخیری بلکه با مستردارسی هم قیل از تشکیل کمپانی بعد از تمام این مذاکرات طولانی مستر دارسی اظهار داشت که در مجمع مخصوص روسا کمپانی از آنها خواهش خواهد کرد تصمیم آخری خودشان را بدهند که یا تمام وجه داده شود تا رجوع بمحاکمه گردد در خصوص اطلاعاتی که بشما رسیده است که مستاجرین چاه‌های نفت اجاره آنها را مرتباً بدولت علیه می رساند من صریحاً بدون تردید بشما میتوانم بگویم که هیچ اساسی برای این اطلاع نیست.

درخصوص نصیحت من بکمپانی (که بقصد این نباشید بمحاکمه رجوع کنید) من فقط از روی خیرخواهی شخصی خودم برای منافع کمپانی گفتم اما کمپانی مصالح خودش را بهتر می‌داند.

من نتوانستم در ملاقات شما خوشوقت شوم در این چند روزه اما امیدوارم در این هفته با شما ملاقات کنم و البته مستر دارسی هم در آن موقع برگشته است شد در ملاقات او هم... خواهام شد صدیق السلطنه

۲۴۰۰۲۵۱۶۸-۵۸



سند شماره ۱۰۵

نشان تاج و شیر و خورشید
وزارت امور خارجه
اداره محاسبات
سواد مرقومه ریاست وزراء عظام
مورخه ۲۹ حمل ۱۳۳۴
نمره ۵۱۷
وزارت جلیله مالیه

در جلسه ۲۹ حمل ۱۳۳۴ هیئت وزراء عظام بموجب پیشنهاد وزارت جلیله امور خارجه تصویب فرموده که در هذه السنه لوئی ٹیل مقرری سفارت دولت علیه در لندن از محل عائدات نفت بعد از وضع مقرری سفارت لندن باقی بماند در عرض مطالبات و حقوق آقای صفاء الملک وزیر مختار دولت علیه در وینه که خیلی در عسرت و استیصال است آن وزارت جلیله پردازند تصویبنامه در کابینه ریاست وزراء ضبط است توضیح آنکه حقوق سفارتخانه‌های دولت علیه مطابق بودجه لوئی ٹیل است که در هیئت وزراء عظام در خود بودجه کل وزارت امور خارجه تصویب گردیده

محمد ولی (ریاست وزراء)

امضاء: ناخوانا

سواد مطابق با اصل است

۸-۵-۲۵-۱۳۳۴ ق

سند شماره ۱۱

وزارت امور خارجه

اداره کابینه

بتاریخ ۲۷ جمادی الاول ۱۳۳۴

مبلغ در هیئت وزراء عظام برای تسهیل وصول عایدات دولتی پرداخت حقوق سفارت لندن تصویب شده بود که مقرری سنه ماضیه توشقان ٹیل سفارت لندن از محل عایدات نفت پرداخت شود که سفارت در مضیقه نباشد و برای دولت هم صرفه منظور شده که تأخیری در صورت عایدات نشود که از آنجا باینجا تبعاً بفرستند و بعد هم برای حقوق سفارت بعضی... داده شود چون این فقره خیلی اسباب سهولت کار شد و مخصوصاً وقتی این عایدات محل حقوق سفارت باشد البته سفارت هم در وصول آن و رفع مشکلاتی که کمپانی نفت بعنوان خسارت و غیره مینماید بهتر موفقیت پیدا می‌کند که حقوق دولت محفوظ وصول شود. این است که وزارت خارجه پیشنهاد بهتر تصویب فرمایند عایدات نفت محل حقوق سفارت لندن بود و بودجه هذ السنه این سفارت را بابت عایدات سه توشقان ٹیل که در نزد کسانی است بپردازند و علاوه هر چه بماند صفاء الممالک وزیر مختار مأمور دربار باشد که خیلی در عسرت هستند پرداخته شود و بعد از ... محل حقوق سفارت لندن از عایدات نفت باشد چون این مسئله متضمن صرفه و صلاح و آسودگی مأمورین دولت است وزارت خارجه مترصد که زودتر از تصویب هیئت وزراء عظام بگذرد.

۹-۵-۲۵-۱۳۳۴ ق

سند شماره ۱۲

مذاکرات مجلس لردها راجع بایران ۲۵ مه ۱۹۱۴

لرد لامینگتون: آیا در باب نقشه راه آهن سراسر ایران مشغول مذاکره هستن؟ آیا نوشتجات لازمه حاوی نقطه نظر دولت هند راجع بنقشه مزبور تقدیم پارلمان خواهد شد؟ گمان دارم مذاکرات بهم خورده باشد ولی بنا بجوابی که روز قبل سر ادوارد گری در مجلس و کلا دادند که مذاکرات میتواند به نتیجه برسد مطلوب میدانم که در این خصوص بعضی اطلاعات از دولت بخواهم بواسطه انتشارات جراید که دولت انگلیس در صدد است در کمپانی نفت جنوبی ایران خود را ذی منفعت ساز مسئله اهمیت زیادی بهم رسانیده است. لرد سیدانهام: توسعه نفت ایران و اقدام دولت انگلیس در دست گرفتن کنترل اسهام کمپانی نفت وضع جدیدی احداث خواهد کرد. چون اینکار ما را مجبور به بعضی اقدام در منطقه بیطرف خواهد کرد. اگر دولت نمی‌توانست بدون اینکه بمذاکراتی که در میان است ضروری برسد اطلاعاتی بدهند برای آنهایی که با نهایت اضطراب به وقایع ایران عطف نظر می‌نمایند اسباب خوشوقتی خواهد بود.

مارکویزاو کریو (وزیر هند و نماینده دولت در مجلس لردها): از دو سال قبل که مذاکره اینکار شد مسئله پیشرفتی که قابل اظهار باشد حاصل ننموده است در آنوقت لرد مورلی صراحتاً اظهار داشت که عقاید مردم در باب مطلوب بودن راه آهن سراسر ایران هر چه باشد پولتیک صحیحی نیست که بدون اینکه نقشه را

مذاکره کرده از ساختن آن امتناع جوییم یا هیئت مطالعه راه‌آهن مزبور در مطالعات خود خیلی پیشرفت حاصل نموده اجازه که ما داریم این بود که راه را مساحی نمایند نه اینکه را را بسازند در خارج از منطقه نفوذ ما مثلاً در منطقه روسی برای ساختن راه‌آهن مزبور اجازه ما لازم نخواهد بود. صحیح است که امتداد راه‌آهن از روسیه تا هندوستان اسباب خیال بعضی‌ها چه در روسیه و چه در هندوستان شده بود ولی این راه‌آهن نباید با راه‌آهن‌های دیگر که در نقاط مختلفه ایران برای توسعه تجارت ایران کشیده خواهد شد مشتبّه شود. اشخاص فوق‌الذکر باید در نظر داشته باشند که اگر بعضی راه‌آهن‌ها در ایران برای ملحق ساختن بعضی مراکز تجاری کشیده شود تقریباً قسمت عمده راه‌آهن سراسر ایران کشیده شده است. بدیهی است قسمت از راه‌آهن که به هندوستان باید ملحق شود جزو این خطوط محسوب نیست. ساختن این قسمت راه‌آهن فقط بسته با اجازه دولت انگلیس و دولت هند است. دولت انگلیس و دولت هند صراحتاً گفته‌اند که امتداد راه‌آهن از ایران به هندوستان مسئله مخصوص است و بدون اینکه اجازه ساختن آنرا داده باشند قسمت راه‌آهن مزبور ساخته نخواهد شد و نباید ساخته شود و نیز گفته شده که ما مجبور به کنترل بنادر خلیج فارس هستیم. لرد محترم وقتی که بمسئله راه‌آهن که نقطه انتهاییه آن بندرعباس خواهد بود اشاره کردند از مسئله خارج شدند این خط هیچ رابطه با راه‌آهن سراسر ایران ندارد و تا اندازه که به تجارت روس راجع است چنین ملاحظه شده که نتیجه ساختن راه‌آهن از بنادر خلیج فارس بداخله برای مملکت باعث انهدام تجارت روس در آنجاها خواهد بود. در باب راه‌آهن مزبور نتیجه قطعی گرفته نشده است. گمان دارم ساختن شعبات راه‌آهن مزبور از ساختن خود راه‌آهن سراسر ایران برای ایران مفیدتر است شک ندارم که روس‌ها راه‌آهن را از طرف طهران به طرف جنوب خواهند کشید و ما باید در آن شراکت نمائیم ولی باید مسئله دفاع هندوستان را که مسئله خیلی عمده است در نظر بیاوریم. ما با روس دوست هستیم ولی روس‌های دوراندیش هم تصدیق دادند که چون احساسات دوستانه نباید هیچ‌یک از طرفین را از اقدامات دفاعی منصرف سازد. در یک مملکت مثل ایران که مسئله آن هنوز ناتمام مانده است. نمی‌شود بدون تأمل راه‌آهن کشیده شود ولی امیدواریم آنهایی که سرمایه خود را صرف ساختن راه‌آهن‌های ایران نمایند منافع خوب بدست بیاورند.

لرد لامینگتون - عقیده دولت هند در باب راه‌آهن سراسر ایران چیست؟

مارکویز اوکریو: مأمورین نظامی هند عقیده‌شان بر این است که اگر راه‌آهن به هندوستان کشیده شود باید از مراحل گذر کند که بتوانیم با قوه بحری خود آنرا مدافعه نماییم. می‌ترسم ممکن نشود نوشتجات راجع باین مسئله را تقدیم پارلمان نمائیم چون مسئله خیلی محرمانه است. ممکن نیست تصور کرد که هیچ حکومتی چه در هندوستان و چه در انگلستان اجازه بکشیدن راه‌آهن بدهند که نتیجه‌اش افزودن قوای نظامی ما در هندوستان باشد.

۰۳۷ - ۱ - ۱۴ - ۱۳۳۲ ق

۰۳۸ - ۱ - ۱۴ - ۱۳۳۲ ق

۰۳۷ - ۱ - ۱۴ - ۱۳۳۲ ق

سند شماره ۱۳

در خصوص مخابره من با مستتر داریسی راجع به دو هزار تومان که باید او سالیانه بدولت علیه من بدهد موافق فصل چهارم امتیازنامه عقیده دولت علیه من این است که این مبلغ بدولت اداء شدنی گردید بمجرد اینکه امتیاز به مستتر داریسی داده شد. واضح است دولت علیه در حین اعطای امتیاز به داریسی هیچ کاری با هیچ یک از نقاط داخله در ساحت امتیاز نداشته مستتر داریسی در کاغذ آخری خود بمن میگوید که عدم دادن آن وجه بدولت علیه باین جهت بوده دو سه معدن مذکور در فصل چهارم را بایشان تحویل نداده‌اند. این اظهار مایه زیاد تعجب است دولت علیه مینماید که آن سه معدن مذکور فصل چهارم داخل در ساحت امتیاز مستتر داریسی است و از وقتی که امتیاز داده شده صاحب امتیاز مسئول آن معدن است و از همان وقت برای هر اقدام آزاد بوده که تفحص و جستجوی نفت بکند. چنانکه در قسمتی از ساحت امتیاز اقدام کرد که اول قصر شیرین بود و حالا هم در میدان نפתان مشغول کار است که هر دوی آنها داخل در فضایی است که در فصل چهارم اشاره شده لهذا از این جهت می‌بیند که هیچ محل شبهه نیست که مالیات سالیانه که در حین دادن امتیاز رویهم جمع شده مانده بر عهده مستتر داریسی است که بدولت علیه بپردازد خیلی خوشوقت میشوم اگر بمن اطلاع بدهید بمستتر داریسی در این باب چه می‌خواهید بکند که این مسئله زیاد تأخیر افتاده تکلیف آن معین گردد. صدیق السلطنه

۶۱-۲۵۲۶۸-۲۴۰۰

سند شماره ۱۴

۲۵ ذیحجه ۱۳۲۳

از قراریکه راپورت رسیده مستر بیوکنن و مستر مکناتن که دو نفر از اجزای معدن نفت و از اهل امریک هستند از رئیس اداره لندنشان تلگرافی بانها رسیده که بفرنگ بردند و فعلاً فرنگی غیر از مستر هولند و دکتر فرنگی در اداره معدن نفت نیست و از مسیو روزن پلانتر که رئیس اداره معدن نفت قوره تو و حالا هشت نه ماه است رفته هیچ خبری نیست و از وقتیکه روزن پلانتر رفته این اداره خوابیده هیچ کاری نمیکند و از قراریکه افواها در سر حد اشاره پیدا کرده دولت عثمانی مانع از عبور اسباب کارخانه معدن نفت از بغداد تا بصره شده از این اشاره افواهی است و سقم و صحتش بحقیقت نه پیوسته محض مزید استحضار خاطر مبارک عرض شد.

۸۴-۲۶۷۴۸-۲۴۰۰

سند شماره ۱۵

استخراج تلگراف رمز از محمره

حضور مبارک حضرت اجل امجد اشرف افخم بندگان آقای مشیرالدوله وزیر امور خارجه مد ظله بموجب اطلاعاتی که موثقاً رسیده عنقریب در همین ایام کومپانی استخراج نفت در عربستان بعملیات شروع خواهد کرد در اینصورت نمیداند برای اینکار قانون و حدودی مقرر و معدود شده یا باین عنوان بخواهند در ایران شهری بنا با هر چه از هر قبیل بکنند بکلی آزاد و مطلق عنان خواهد بود و آیا لازم است کارگزاری ترتیب را بداند که اعمالشان را راپرت نمایند یا خیر باید کارگزاری هیچ بآنها آشنائی کند و آنها هم کارگزاری ایداً نشناسند.

فدوی حسین اعتلاءالدوله

شب ۹ جمادی الثانیه ۱۳۲۳

۲۴۰۰۲۶۷۴۶-۹۴

سند شماره ۱۶

تلگراف رمز از محمره

حضور مبارک حضرت اجل امجد اشرف افخم بندگان آقای مشیرالدوله وزیر امور خارجه مد ظله مباشرین و ملزومات کومپانی نفت وارد شدند شرحی که بتاریخ ۲۵ جمادی الثانیه نمره خصوصی ۶۶۸ عرض داشته نماینده سفارت اشعار و بحکومت امر فرموده و حسب المقرر صورت امتیازنامه را برای کارگزاری انفاذ نموده‌اند یا خیر.

۲۶ رجب سلخ رجب ۱۳۲۳

فدوی حسین اعتلاءالدوله

امضاء: ناخوانا

۲۴۰۰۲۶۷۴۶-۹۵

سند شماره ۱۷

British Legation

Tehran

۱۳ ربیع الثانی ۱۳۲۷

دوستانه است

جناب جلالتماب اجل اکرم افخم را با کمال احترام تصدیع افزا میگردد

بتاریخ بیست و سیم آوریل گذشته جناب مستطاب اجل سعدالوله در مراسله شخصی به دوستدار نگاشته شکایت کرده بودند از اینکه در تشکیل کمپانی نفت انگلیس و ایران که در این اواخر در لندن انعقاد یافته بمصالح دولت ایران اعتنائی نشده است دوستدار این شکایت را باطلاع دولت انگلیس رسانده و حال اطلاع رسیده که کمپانی نفت اظهار می‌دارند که شروط قرارداد کمپانی را پیش از اینکه تمام شود بمامور دولت علیه ایران ارائه داشته و مامور مشارالیه پس از مشاوره با اوکاهای خود مستر زلملی و لملی باشد بعضی تغییرات داده و تغییرات مزبور قبول شده مستر زلملی و لملی در آخرین وقت اشعار داشته بودند که اسم آن‌ها بسمت اوکایی مامور مشارالیه در تعرفه درج گردد و اسم آنها بنا بر این در تمام اعلانات کمپانی در روزنامجات در جگر دیده است ولی بواسطه

حاشیه راست سند: ضیق وقت در تعرفه مندرج شده است در این موقع احترامات فایقه تجدید مینماید.

امضاء: لاتین ناخوانا

۲۴۰۰۲۶۷۴۶-۹۶

سند شماره ۱۸

استخراج تلگراف رمز از لندن

حضرت مستطاب اجل اشرف اعلاء السلطنه تحریرات جناب صدیق السلطنه راجع بامتیاز نفت رسید در باب سالی دو هزار تومانی که صاحب امتیاز بموجب فصل سیم باید بدولت علیه ایران بدهد واضح است که باید این مبلغ را بدهند و خود او هم حرفی ندارد ولی چنانچه در عریضه پنجم شهر شوال المکرم عرض شد صاحب امتیاز میگوید که مالیات سه معدن را در فصل سیم مذکور است مستاجرین در این مدت بدولت علیه ایران داده اند در - جناب صدیق السلطنه اشاره نکرده‌اند که اگر صحیح است و دولت علیه ایران قبول نموده‌اند این خود تصدیق قول حضرات را نمایند مستدعی است با تلگراف اطلاع بدهند تا اگر صحت ندارد در جوابی که - ذکر شود و جدا بمقام مطالبه وجه بمانیم از طرف جناب صدیق السلطنه اظهار نمایند مستقیماً بصاحب امتیاز در باب تأسیس شرکت و غیره نوشته اند مذاکرات و مکاتبات فدوی با حضرات با مأموریت..... که هر چه بنویسند بتوسط فدوی باشد که از ترتیبی که در مذاکرات اختیار شد خارج نشویم مگر اینکه تمام مکاتباتشان مستقیم باشد. نسخه از نظامنامه شرکت اولی پیش فدوی است که لازم است امر فرمایید ارسال میشود تلگراف مبارک در باب اینکه اگر مسیو داری در صدد تشکیل کمپانی است خبر میدهد الان زیارت شد خود فدوی در تلگراف دوازدهم شهر حال عرض کرد که از قراریکه صاحب امتیاز اظهار مینماید تشکیل کمپانی بسته به هم اکنون نفت است و امیدوار است که در ماه مه هذلسنه بتوانند تشکیل کمپانی بدهند ولی سال گذشته هم همین امید را داشتند بطور صریح نمی‌توانند که امسال کمپانی تشکیل خواهد شد یا نه باز تحقیق نموده اگر چیزی معین شد بعرض میرساند.

۱۸ ذیحجه ۱۳۲۴

امضاء: مهدی

۱۴ - ۳۰ - ۵۴ - ۱۳۲۹ ق

سند شماره ۱۹۵

نشان تاج و شیر و خورشید

سفارت اعلیحضرت شاهنشاه ایران در لندن

Legation

de

S.M.I

Le shah de. Perse

a Londeres

نمره ۹۹

حضرت وزیر آقای صدیق السلطنه از بدو ورود بلندن کمال مواظبت را در امور راجع بکومیسری داشته با نهایت صداقت تلاش در بذل خدمت و حافظ منافع دولت نمود و بهمراهی و ارائه اوکای بزرگ لملی اند لملی مراقب اقدامات کمپانی نفت بوده‌اند حتی از تشکیل کمپانی بدون تاخیر خیلی اصرار و مشاجره با صاحب امتیاز کرده و در موقع تفویض امتیاز دارسی بکمپانی هم حفظ حقوق و مصالح دولت و کمیسری زحمات زیاد کشیدند و هر سال هم مبالغ کلی به اوکا برای مذاکرات قانونی و مشاورت میدهند. در مسئله دو هزار تومان هم بهمراهی سفارت و اوکا خیلی مذاکرات و مباحثات با صاحب امتیاز و بعد کمپانی کردند و با اینکه صاحب امتیاز انکار محض از ادای چنین وجهی بدولت علیه میکرد و دولت را صاحب چنین حقی نمی‌دانست تهدید رجوع بمحاکمه در طهران و غیره کمپانی را مجبور از قبول مصالحه تا ده هزار تومان نمودند و صاحب امتیاز و کمپانی هم از اینجهه از ایشان تا درجه رنجیدند و گفتند که این دعوی هم سابقه نداشته و کسی در اینخصوص با آنها بمقام ادعا نمانده بود. در اینموقع عرض شهادت سفارت از مراقبت ایشان در امور راجعه به نفت و مراتب خدمات با صداقت ایشان بمقام عرض هم محضر بحضور مبارک برآمد. یقین است اولیای دولت علیه هم عرض امیدواری و دلگرمی ایشان در حد مشکلاتی توجه در صمیمیت حواس و آسودگی ایشان خواهد فرمود.

سوم ربیع الاخر ۱۳۲۹

امضاء: ناخوانا

۱۷- ۳۰- ۵۴- ۱۳۲۹ ق

سند شماره ۲۰۵

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت فوائد عامه

اداره معادن

نمره ۳۶۷

مورخه ۴ شهر شوال ۱۳۲۸

وزارت جلیله امور خارجه

بطوری که خاطر محترم آن وزارتخانه مسبوق و مستحضر است کمپانی معادن نفت جنوب از بابت سه فقره معدن قصر شیرین و شوشتر و دالکی سال دو هزار تومان باید بدولت بدهد حالیه نه سال و کسری است این وجه را عاید نداشته در سابق که مطالبه و سختی شد کمپانی راضی بود از بابت هشت سال اولیه گذشته نصف وجه یعنی هشت هزار تومان بدهد و در آتیه سال بسال مبلغ دو هزار تومان را هر ساله عاید دارد این ترتیب را دولت قبول کند تمام وجه را مطالبه نماید که یا کمپانی تمام وجه را عاید دارد یا مطابق شرط قرارنامه از طرف خود حکمی معین نماید یا دولت علیه هم از طرف خود حکم تعیین نموده اینکار را تمام کنند با اینکه تفصیل این مسئله حضوراً بجناب آقای وزیر امور خارجه عرض شده است و جناب معظم له فرموده‌اند که در آنخصوص بتوسط وزارت جلیله خارجه مذاکره نشده و معذک چون کمیسری معدن نفت در لندن اظهار داشته است که مستر پریس از طرف کمپانی برای این قبیل مذاکات بطهران آمده تذکاراً بمقام زحمت بر می‌آید که اگر مستر پریس یا دیگری در آن وزارتخانه محترمه از اینباب مذاکره و اظهاراتی بنمایند خاطر محترم اولیای آن وزارتخانه جلیله از تفصیل مستحضر باشد و جوابی که منافی با اقدامات وزارت فوائد که تمام وجه را مطالبه می‌نماید نفرمایند تا نتیجه مطلوب حاصل گردد.

امضاء: معاون وزارت خارجه

مهر: ناخوانا

۲۶-۳۰-۵۴-۱۳۳۹ ق

سند شماره ۲۱

تلگراف رمز شما راجع بامتیاز نفت به تاریخ شهر ذی حجه حاصل گردید به تحقیقاتی که از پل کتابچی خان نموده و اظهار کرده بودید مطلع شد مقصود در رساندن بیست هزار لیره و بیست هزار لیره اسهام نبود درست اظهار داشته این دو نفره به توسط مشارالیه رسید ولی راپورتها و تلگراف اعلام شرکت و نظام نامه کمیسر بود به وزارت خارجه راپرت بدهد و نظامنامه شرکتی بفرستد نفرستاد اگر چه به طوری که پل کتابچی خان اظهار کرد خدمت حضرت اشرف آقای امین‌السلطان فرستاده‌اند وی معلوم نیست که این اظهار آنها ماخذی داشته باشد اولاً برحسب تکلیف بایستی به وزارتخانه خارجه فرستاده باشد ثانیاً اگر خدمت جناب معظم‌الیه فرستاده بودند مسلماً به وزارت خارجه می‌دادند در هر صورت اینجناب و نسان خان را خواسته صورت محلها که در شرکت اولیه نوشته شده نظامنامه شرکتی که در نزد مشارالیه است و از هر قبل نوشتجات که راجع باین عمل گرفته بفرستید که وزارت خارجه منتظر است.

۱۳-۳۰-۵۴-۱۳۳۹ ق

سند شماره ۲۲

نشان تاج و شیر و خورشید

مجلس شورای ملی

مورخه: ۱۴ شوال

نمره: ۸۸۱۰

ضمیمه: ندارد

وزارت جلیله امور خارجه

یکی از نمایندگان دو فقره سؤال ذیل را از آن وزارت جلیله خواهند نمود
اولاً - کمپانی نفت جنوب بموجب قرارنامه باید سالی دو هزار تومان از بابت چشمه‌ها و چاههای سابقه
نفت علاوه از حقوق مقرر بدولت بپردازد آیا تا کنون مبلغ مذکور را پرداخته است یا خیر؟
ثانیاً - در خصوص شیخ محمود ورامینی که در زرگندخ متوقف در سفارت دولت بهیبه روس است و بر
علیه دولت همه قسم اقدامات نموده و اشخاص را اسلحه داده بمعاونت اشراف فرستاده چنانچه عده از آنها
گرفتار و کاغذ مشارالیه بدست آمده است وزارت علیه امور خارجه چه اقدامی فرموده‌اند؟ خطراً اظهار شده
که در مجلس ایراد جواب فرمایند (رئیس مجلس شورای ملی)
امضاء: ذکاءالملک

۲۵ - ۳۰ - ۵۴ - ۱۳۲۹ ق

سند شماره ۲۳

نشان تاج و شیر و خورشید

اداره معادن

نمره ۸۵۹

مورخه ۷ شهر شعبان ۱۳۲۹

وزارت جلیله امور خارجه

مرقومه محترمه نمره (۱۲۴۶) حاوی چهار فقره سواد راپرت واصله از سفارت واشنگتن راجه بثروت‌های
طبیعی ایران شرف وصول یافت در خصوص استخراج نفت غیرخالص که فوائد آنرا شرح داده بودند معادن
نفت جنوب در امتیاز داری و باین علت با دیگری نمیتوان از این بابت مذاکره شود لا برای ترتیب جنگلها
و معادن ذغال سنگ آنحدود محظوری در کار نیست در مسئله امتداد راه آهن و تأسیس تراموه الکتریک و
غیره بسیار خوب خیالی است راپورت آن بهیئت محترم وزرا پیشنهاد شده که این مسائل را مطرح مذاکره
قرار داده کسب تکلیف شود در خصوص اظهارات کنگره راجع بوسایل آبیاری ارضی غیر مزروعه شرکت در
این کنگره خیلی نافع است و خود آقای علیقلی خان در اینخصوص ماموریت داده شود مناسب. اما مکتوب

روند آگاهی یافتگی ایرانی‌ها به مسئله نفت... / محمد حسن نیا

واصله از کنگره را هم با سواد مقاله مستر گراند که در راپورت واصله نمره ۲۴۷ نوشته اند فرستاده شد و بوزارت فوائد عامه ارسال نموده بودند بفرمائید موجب مزید اطلاع بشود.

امضاء: ناخوانا

مهر: ناخوانا

۸۱- ۱- ۲۰- ۱۳۲۹ق

سند شماره ۲۴

نشان تاج و شیر و خورشید

کارگزاری کل عربستان و شطالعرب و مدیریت سیر سفاین در شط کارون

اداره مهام کارگزاری

مورخه ۷ شهر محرم الحرام سنه ۱۳۲۸

نمره عمومی ۸۷

خصوصی ۲۶

مبلغ دو هزار تومان که موافق فصل چهارم امتیازنامه کمپانی نفت از بابت جمع معادن مزبوره هر ساله آن کمپانی میبایست بدان بپردازد و نیز بیست هزار لیره انگلیسی نقد و بیست هزار لیره اسهم که مطابق فصل دهم بعد از تأسیس شرکت باید بدولت کارسازی نماید چون ظاهراً مدتی است تشکیل شرکت شده است آن دو هزار تومان را همه ساله و این چهل هزار لیره نقد و اسهم را بعد از تأسیس شرکت پرداخته‌اند یا خیر. اگر نداده باشند البته می‌بایست مطالبه به اداره مالیه عاید گردد. الامر امر مشرف مطاع

امضاء: چاکر حسین

۳۰- ۳۰- ۵۴- ۱۳۲۹ق

سند شماره ۲۵

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت امور خارجه

نمره کتاب ثبت ۳۲۷۵

کارتن ۸۴ دوسیه ۶

تاریخ خروج ۱۶ صفر ۱۳۲۸

ثبت کاغذ به کارگذار عربستان

راپرت نمره ۸۷ مورخه ۷ محرم شما در باب کمپانی نقط ملاحظه شد بیست هزار لیره نقد و بیست هزار لیره اسهم از طرف کمپانی بدولت علیه میباید بعد از تأسیس کمپانی کارسازی شود پرداخته‌اند اما در باب

روند آگاهی یافتگی ایرانی‌ها به مسئله نفت... / محمد حسن نیا

دو هزار تومان که باید همه ساله کمپانی بدولت بدهد کمیسر دولت‌علیه در لندن مشغول مطالبه است .

امضاء: اسمعیل

مهر بدیعه نگار

۲۹-۳۰-۵۴-۱۳۲۹ق

سند شماره ۲۶

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت مالیه

اداره کابینه- مرکز

نمره ۱۷۹۳

مورخه هشتم شهر ربیع الآخر ۱۳۲۸

وزارت جلیله خارجه

شرحی را که در باب فروش اسهام و مذاکرات با نواب مرقوم داشته بودید ملاحظه کردم همینطور که جواب دادید صحیح است و دولت ابداً در خیال فروش این اسهام نیست مجدداً هم اگر مذاکره شود جواب بدهید که منصرف شود.

امضاء: ناخوانا

مهر: وزارت مالیه

۲۸-۳۰-۵۴-۱۳۲۹ق

سند شماره ۲۷

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت فوائد عامه

اداره معادن نمره ۶۰۹۹

مورخه ۱۶ شهر ذیقعدہ ۱۳۲۸

وزارت جلیله امور خارجه

مرقومه محترمه نمره (۸۷۹) حاوی سواد تلگراف رمز واصله از لندن شرف وصول یافت. چنانچه خاطر محترم آن وزارتخانه جلیله مسبوق است این مسئله را که مستر پیس وکیل کمپانی به لندن اطلاع داده رسمیت نداشته و این وزارتخانه بکلی از این مقدمه بی‌اطلاع است. فرضاً آقای وکیل الرعایا با مستر پریس صحبتی هم کرده باشد شخصی و غیررسمی بوده است دستورالعمل به کمیسر معادن همانست که سابقاً

داده شده بود اخیراً هم در طی نمره ۶۴۴ بمشارالیه تاکید شد یا کمپانی تمام مبلغ مالی دو هزار تومان این مدت را بدهد و حکم خود را تعیین و معرفی نماید لازم است آن وزارتخانه محترم هم در جواب آقای مشیرالملک تلگرافاً اقدامات و مقاصد وزارت فوائد را اطلاع داده و تأکید بفرمایند که آقای مشیرالملک هم با آقای صدیق السلطنه کمیسر اطلاع بدهند که بدون تأخیر باید مفاد مشروطه نمره ۶۶۴ این وزارتخانه را بموقع اجرا بگذارد تا تأکیدی از دستورالعمل کمیسر شده زودتر این کار را یکطرفی نماید.

امضاء : ناخوانا

مهر: وزارت فوائد عامه

۲۳-۳۰-۵۴-۱۳۲۹ق

سند شماره ۲۸

وزارت امور خارجه

اداره انگلیس

بتاریخ ۱۶ صفر ۱۳۲۹

نمره عمومی ۳۰۹۴

نمره خصوصی ۲۳۷

کارتن ۵۴

دوسیه ۶ دلو

نوع مسوده : مرقوم شده خان رئیس کمیته دائمی امتیازات

موضوع مسوده: کارون - امتیاز بانک شاهنشاهی

ضمیمه: سواد دوسیه

پاک‌نویس کننده معز دیوان ۷ صفر ۱۳۲۹

وزارت فوائد عامه

آقای رضاقلی خان رئیس کمیته دائمی امتیازات

بر حسب لزوم سه مسئله ذیل را به استحضار خاطر محترم میرساند که زودتر در کمیته دائمی امتیازات مطرح فرموده نظریات بر رای کمیته را بوزارت امور خارجه مرقوم فرمائید.

- ۱) مسئله کشتیرانی در کارون علیا و سفلی می‌گویند تقریباً یک سال قبل و اجازه یکساله عبور یک استمرارچ بکارون علیا داده شد و قریباً مدت آن منقضی است و حفظ کلیه حقوق دولت از بابت این امتیازات.
- ۲) حقوق صدی شانزده که باید از عایدات استخراج معادن نفت بدولت علیه برسد ضمن سایر حقوقی که بابت این امتیاز منظور و تابحال کدام یک معوق مانده است.

۳) مسئله امتیاز بانک شاهنشاهی و امان نظر در وصول متروکه یا وظایفی که محول نمی‌داند چنان که درج جراید هم ذکر می‌شود. و محض آنکه از اقدامات وزارت امور خارجه در مسئله اجازه عبور یکساله

روند آگاهی یافتگی ایرانی‌ها به مسئله نفت... / محمد حسن‌نیا

استمرج و کاملاً مسبوق شود سوادى از دوسيه آن تلوا انفاذ گرديد.

امضاء: ناخوانا

حاشیه راست سند: نوشتن این رقعہ به چه ملاحظه است گویا اقتضاء ندارد ۲۸ محرم ۱۳۲۹

۱۸-۳۰-۵۴-۱۳۲۹ق

سند شماره ۲۹

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت امور خارجه

مورخه ۲۹ شوال

استخراج تلگراف رمز از لندن

در مذاکراتی که شد کومیانی نفت جواب داد دولت علیه در تلفون و -در طهران با مستتر پریس قرارى داده‌اند کمیانی هم صد هزار لیره بدولت قرض داده است و در باب دو هزار تومان هم قرارى داده شد و عمل ختم است اگر اینطور است عجیب است از طرفى دستورالعمل برای مذاکره در آنجا میدهند و از طرف دیگر از آنچه در آنجا میشود ابدأ اطلاعی نمی‌دهند در آنجا اقدام دیگر نخواهد شد تا دستورالعمل داده شود .
حاشیه راست سند: اداره انگلیس تفصیل را از دفاتر و کیل‌الرعايا مستحضر شوید و مطالب را بلندن بنویسید و عجالاً زود جواب بنویسید که تفصیل اینطور نیست که مستر پریس بکمیانی نوشته است .
هر جوابی که حالا مختصراً و بعد مفصلاً بسفارت لندن مینویسید بوزارت فواید عامه هم بنویسید که باطلاع آقای وکیل ارعايا بکمیسر جواب بنویسند.

۲۴-۳۰-۵۴-۱۳۲۹ق

سند شماره ۳۰

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت فواید عامه اداره معادن

نمره کتاب ثبت ۱۳۱۵

تاریخ خروج ۱۲ شهر شوال

وزارت جلیله مالیه

کمیانی معادن نفت جنوب بکمیسر معادن مزبور شکایت کرده است که اجزای گمرکخانه محمره بر خلاف شرط قراردادی از طرف دولت علیه بآنها داده شده از اشیایی که برای عمل معادن میاورده‌اند مطالبه حقوق گمرکی کرده‌اند و فصل قرارداد راجع به امور گمرکی این است (تمام اسباب و آلات لازمه برای تفتیش و تفحص و استخراج معادن و بسط آنها و کذلک بجهت تأسیس لوله‌ها در وقت دخول بایران به هیچ وجه من‌الوجه حقوق گمرک را نخواهد پرداخت) لازم است اداره گمرکات را از این فصل قرارداد کمیانی

روند آگاهی یافتگی ایرانی‌ها به مسئله نفت... / محمد حسن نیا

مطلع فرمایند و قدغن فرمایند اجزای گمرکخانه محمره به همین ترتیب با کمپانی رفتار نمایند ولی در صورتیکه برای اعمال معادن مزبور فرضاً مواد ناریه لازم شود چون در دخول آن باید خیلی دقت و احتیاط بشود بدو باید کمپانی لزوم ورود آنرا مدلل نماید و پس از اجازه مخصوص داخل کنند و ورود آنرا این شرح و شرط عمومی مستثنی باید دانست. امضاء: ناخوانا

۲۴۰۰۲۵۱۶۸-۴۸

سند شماره ۳۱

Administration

Des Douanes

نشان تاج و شیر و خورشید

اداره گمرک

No 7829

190 ۲ نوامبر ۱۹۰۹ مطابق ۱۸ شهر شوال ۱۳۲۷

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم امجد افخم عالی بندگان آقای مستوفی الممالک وزیر مالیه دامت شوکتہ دستخط مبارک مورخه ۱۳ شوال محتوی سواد یادداشت وزارت جلیله فواید عامه راجع بتکلیف اداره گمرک در خصوص اشیاء و ملزوماتی که کمپانی نطف جنوب وارد میکند زیارت شد. یادداشت وزارت جلیله مزبوره قدری اسباب تعجب بنده شده از این که فدوی از مواد امتیاز کمپانی به خوبی مستحضر است و کاملاً میداند اشیاء و اسبابی که از ادای حقوق گمرکی معافاند از چه قبیل میباشند. اداره گمرک در هر موقع مدلول امتیازنامه را بموقع اجرا گذاشته است و مستمسک شکایت به کمپانی مزبوره در هیچ حال نداده است وانگهی چون در یادداشت وزارت جلیله فواید عامه تصریح نشده است تحقیق و تفتیش موضوع شکایت ممکن نیست از اینکه فقط شکایت کننده اداره گمرک رعایت مواد امتیازنامه را نکرده است کافی نخواهد بود باید معین کنند چه وقت این اتفاق افتاده است آلت یا اسبابی که از آن اخذ حقوق گمرکی شده است چه بوده و بالاخره اسناد رسمی را ارائه بدهند که مطلب واضح و ثابت شود منتها نمی توان اقدامی کرد. زیاده جسارت است.

۲۴۰۰۲۶۷۳۰-۷۲

سند شماره ۳۲

نشان تاج و شیر و خورشید

Administration

Des

Douanes Deperse

No 9589

19 ۶ ژانویه ۱۹۱۰ مطابق ۲۳ ذی حجه ۱۳۲۷ L tehran,

حضور جناب مستطاب اجل امجد اکرم افخم آقای وثوق الدوله مدظله العالی

در آرتیکل هفتم امتیاز نامه کمپانی سندیکات مندرج است که (ملزومات و ادوات لازمه بجهت استخراج و انکشاف چشمه‌های نفت) از ادای حقوق گمرکی معاف خواهند بود. در این باب غالباً بین اداره گمرک و کمپانی مزبور بروز اختلاف می‌شود و در تفهیم اصل مقصود از این آرتیکل تولید اشکال می‌گردد کمپانی ادعا می‌کند که تمام ادوات ماشین و موتورآلات و افزار را بر هر قبیل مصالح و ادویه مخصوصه باستخراج این صنعت و همچنین اشیاء متعلقه به اداره و ابنیه از قبیل اثاث البیت و ملزومات دفتری و غیره نیز از ادای حقوق گمرکی معاف باشد چون اداره گمرک در موقع تحریر امتیازنامه و کنترات دخالتی در این کار نداشته است مشکل است بداند مقصود اولیای دولت علیه از مدلول آرتیکل هفت چه بوده است و گمان بنده این است که این آرتیکل خیلی پیچیده است و نمی‌توان در موقع ظهور اختلاف چیزی از او درک و تفهیم کرد. لہذا در حضور مبارک مستدعی است اصل مقصود را معین فرموده و مخصوصاً در باب اثاث‌البیت و ملزومات و حدی را معلوم فرمایید که از حقوق گمرکی معاف باید باشد یا خیر

امر امر مبارک

امضاء: لاتین

مهر ورود بکابینه وزارت مالیه، بتاريخ ۲۴ شهر ذی حجه ۱۳۲۷، نمره ۶۷۶/۲۶۸

۲۴۰۰۲۶۷۳۰-۷۴

سند شماره ۳۳

دولت علیه ایران

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت مالیه

نمره کتاب ثبت ۵۷۱۱

شعبه تحریرات مرکزی

ارسال در ساعت ۲ لیل ۱۵

اداره مرکزی گمرکات

در ضمن مراسله نمره (۹۵۸۹) در باب اختلافات حاصله مابین کمپانی معادن نفت به اداره گمرکات از شرحی که اشعار داشته بودند اطلاع حاصل شد... و رجوع بامتیازنامه کمپانی مزبور شد در فصل راجع به این اسباب و آلات لازمه را برای تفتیش و تفحص استخراج معادن و بسط آنها و تأسیس لوله‌ها در وقت ورود به ایران از ادای حقوق گمرکی معاف کرده‌اند و یقین است خود آن اداره هم در موقع فصول و مندرجات

امتیازنامه را مدنظر دارد و استنباط تکلیف می‌نماید و در مدلول این فصل چندان ابهامی نیست که باعث تعطیلی کار بشود و در این صورت مطابق مدلول فصل راجع به این کار اثاث‌البیته و ملزومات دفتری از حقوق گمرکی معاف نیست و باید وجوه گمرکی از کمپانی دریافت دارد کلیه آنچه را راجع بمدلول فصل مزبور است باید از گمرک معاف باشد و آنچه را که از مدلول آن فصل خارج است حقوق گمرکی باید دریافت شود تمیز و تفکیک این فقره هم برای اجزاء اداره گمرک اشکالی ندارد.

امضاء: ناخوانا

۲۴۰۰۲۶۷۳۰-۷۶

سند شماره ۳۴

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت امور خارجه

سواد مراسله سفارت انگلیس

مورخه دوم جمادی الثانی ۱۳۲۸ دهم جون ۱۹۱۰

رئیس گمرکات باین سفارت اطلاع می‌دهند که وزیر مالیه به موجب مراسله خود مورخه سیزدهم محرم تصمیم داده‌اند که لوازم دفتر جزو اشیایی که کمپانی فقط ایران و انگلیس حق دارد بدون ادای حق گمرک وارد نماید نمی‌باشد و بنابراین این ماشین چاپ‌دستی که در ماه ۱۰ پریل ۱۹۰۹ کمپانی مزبور وارد نموده باید ادای گمرک نماید لهذا جناب مستطابعالی را متذکر میشوم که کمپانی روسی راه یک ماشین چاپ‌دستی بموجب امتیاز بدون ادای حق گمرک وارد نمود بر خاطر ... مظاهر جناب مستطابعالی واضح خواهد بود که اگر به کمپانی فقط ایران و انگلیس غیر از این رفتار شود انصاف نخواهد بود. بنابراین از جناب مستطابعالی خواهشمندم اقدامات فرموده دستورالعمل‌های لازم داده شود و ماشین چاپ‌دستی را جز اشیایی که کمپانی فقط حق دخول بدون اداره گمرک دارد، بشناسد.

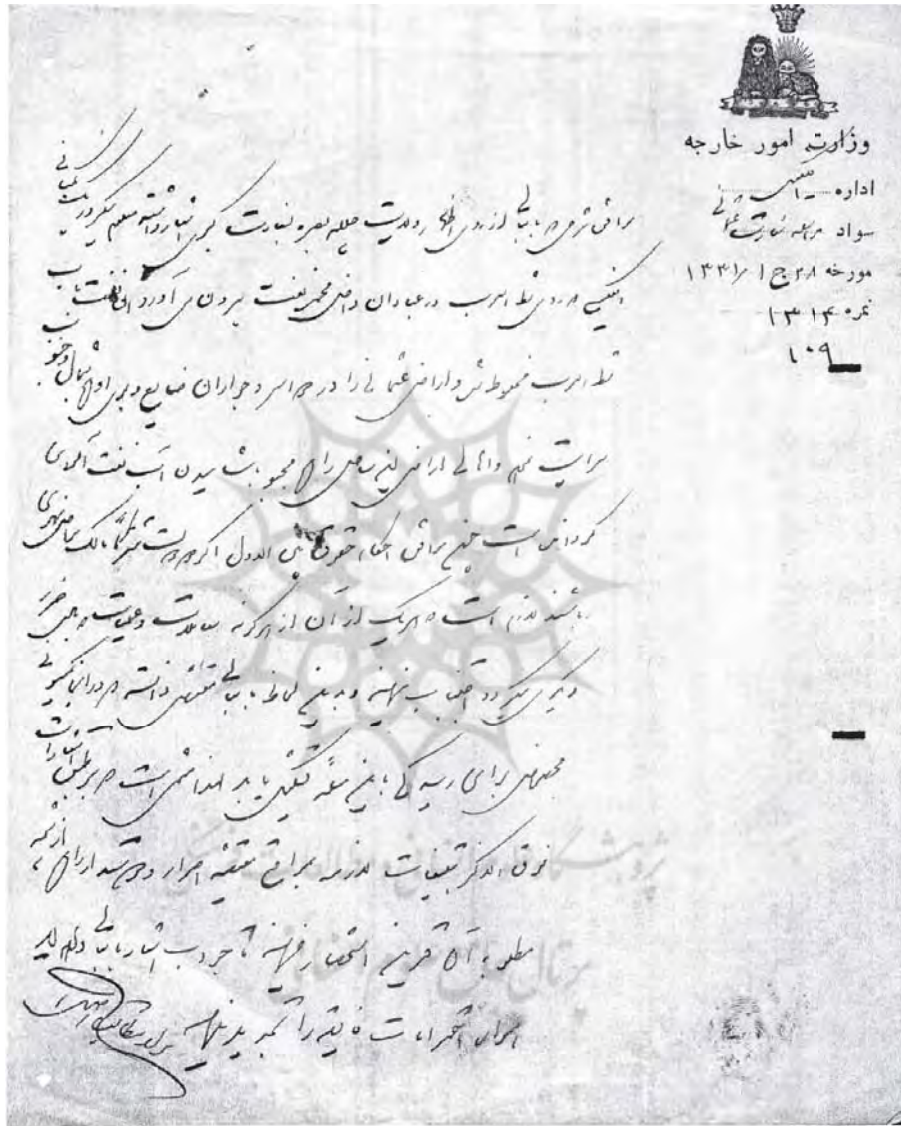
مهر: وزارت امور خارجه اداره تحریرات انگلیس ۱۳۲۸

مهر: ورود بکابینه وزارت مالیه، نمره ۶۷۱۱

۲۴۰۰۲۶۷۳۰-۸۴

پی‌نوشت:

۱. ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه فردوسی، به کوشش عبدالله اکبریان راد، تهران: الهام، ۱۳۸۶، ص ۹۷۸.



۲۴۰۰۲۶۷۵۰ - ۴



وزارت فوائد عامه

سواد سیر قلم و زبان و بیان

مورخه ۱۳۰۴ - ۱۹۱۳

نمره

بفرمایید که در این شماره به ترتیب خط العرب منقوط در ارضی که در
 (دوم) (در جلد اول) ضایع فایده و بر آه بنال و جنبه میراث امانی
 این علم را بخورد آب نطفه آلوده می‌کند. رافق حقان اگر چه است
 که گاه با یک سواد زهر آلوده است که کلام از آنها نباید مورد فحاش
 دیگران باشد. بنابراین با این منجاری رسیدن منحصراً در آن تکلیف
 بر خط کشیده، بکلی نه ترا کرده و تعویق نماند. ای سطلبر که فحاشی از اظهار نکته
 صحت دارد و آن در چهارده حکم صواب است (و در آن بعد)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
 پرتال جامع علوم انسانی

۱۳۰۴-۲۶۷۵۰-۴

پیام بهارستان / ۲۰، ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

شماره ۲۰



وزارت فوائد عامه

سواد سهیلیه که در جواب وزارت معارف

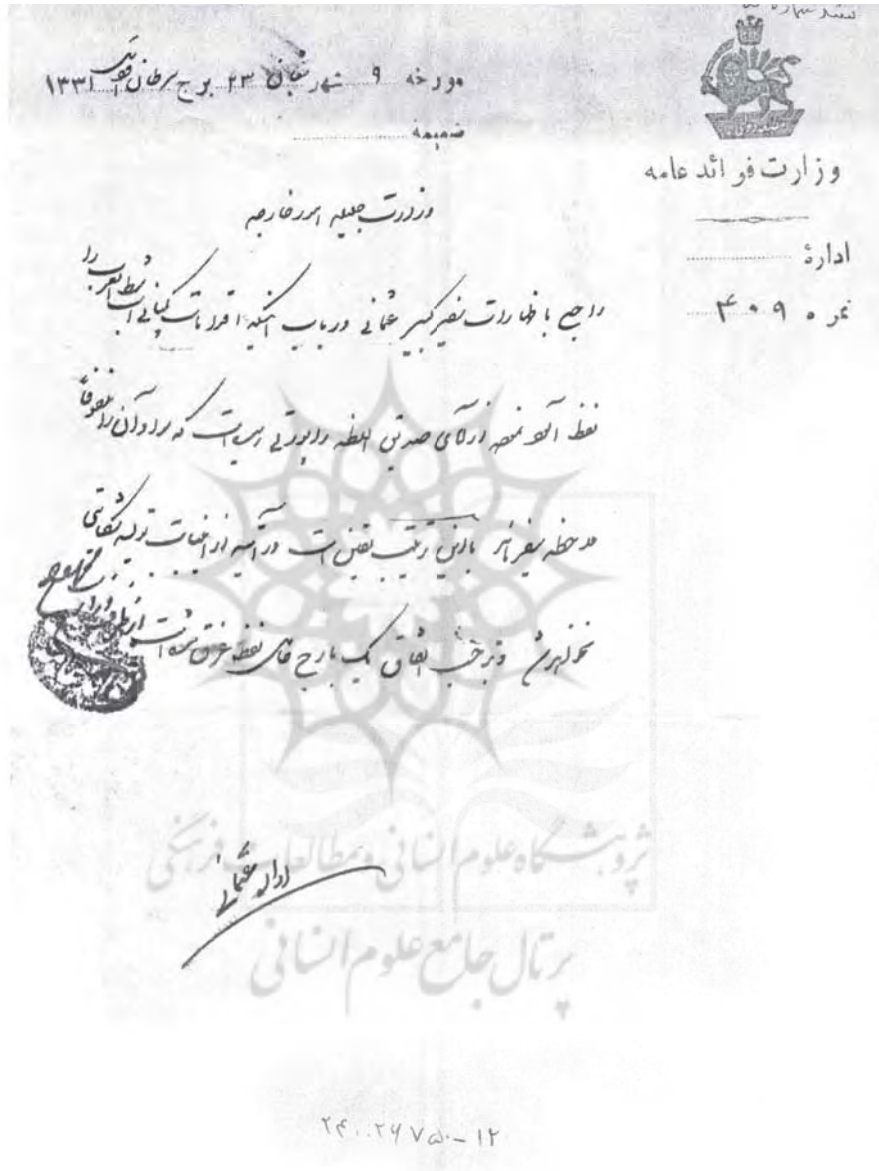
مورخه

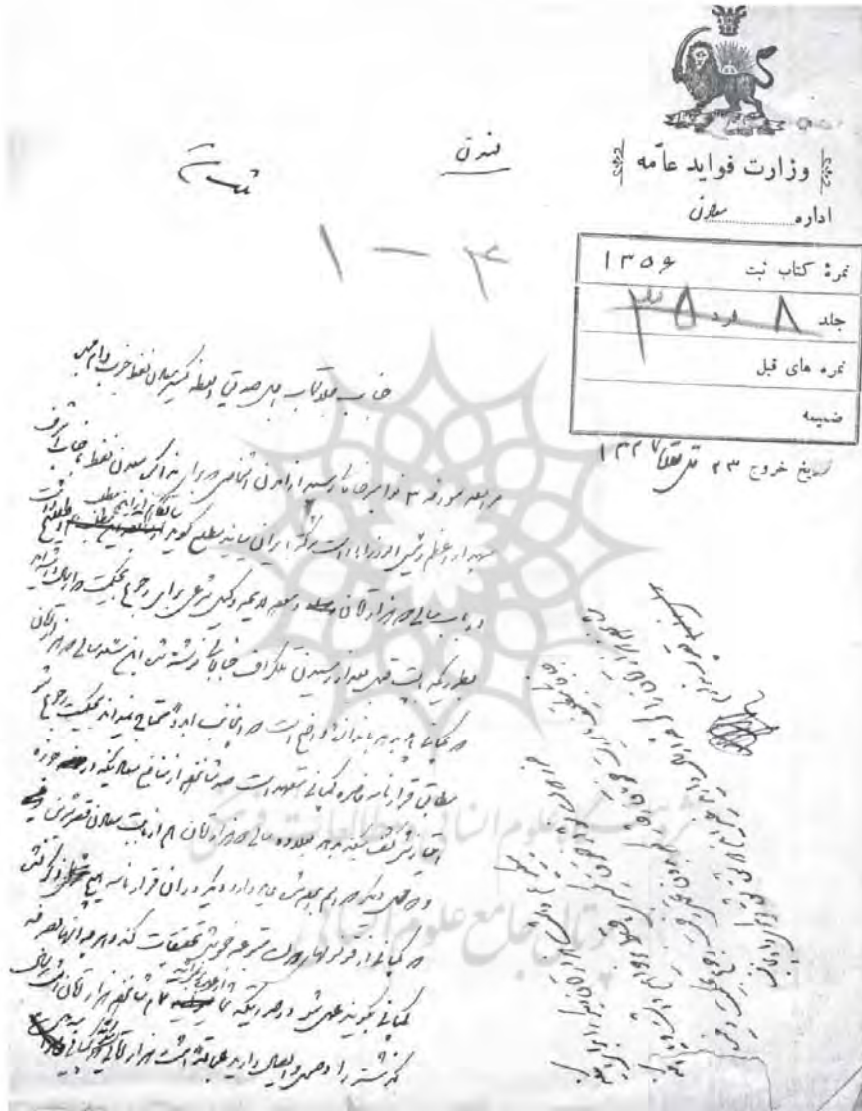
نمره

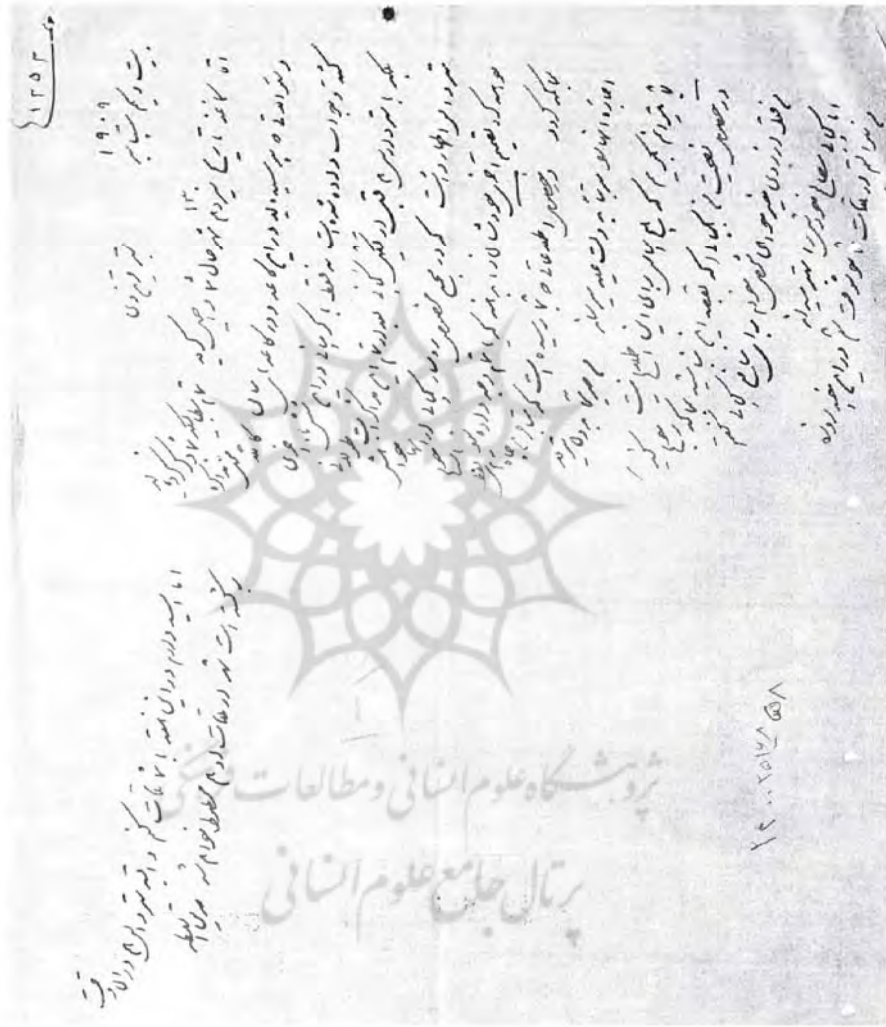
تعلیق جناب لاریجانی ۵ این ماه، با بدست نفع کثیر عانی را چه باندید دست خط لاریجانی
 عیادت که در آن نامیر و ضعیف نموده و صبر کردید، مطلب را بعد و کسر خودمان در
 محرمه رجوع کردم و بجز خواهم بود که الفت فرموده جواب داتدر این تشریح زین
 تا اینکه ملاحظت و کسر را چه به شد اظهار کنم در حال عقیده
 این است که فریاد کند که سید با له ترتیب که در بدست ذکر کرده نظر
 غیر لغزش است زیرا که در دست خاطر جمع نمیم که عیادت که از ابا نمی توانست
 این بود که آب زهری دست با هلیه کت و ما خفا شکر مییم اگر فایده ای باشد
 که ای صحت عانی حق دارد نه بلکه در این قدر مطالب کفایت در صحت که
 (ایضا در سال) در فک ایران و در دست خط لاریجانی و هم من است
 فرموده با نفع فرموده را در دست عانی معمم که خارج این کتید که را نفع
 کسر فوائد عامه

۲۴-۲۷۷ ۵۰-۹

پیام بهارستان / ۲۰، س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰







مذاکرات سمبل‌نوردی رابع با بران

۱۹۱۴ م ۲۵

نوردی گفتند: - آیا در بافتن راه آهن سراسر ایران شموله نموده‌اید؟ آیا ترسبات لازم در نقطه نظریات هند راجع به ترسبات
تقسیم برمانه خواهد شد؟ کدام مذاکرات بهم خورده باشد و له بنا بچو کنید روز تقسیم سراسر ایران گرن بر مجلس و کارواندند مذاکرات
میرانند به شکر بر سر مطرب میدانم که در اختیار بعضی اطلاعات از دولت سنجام در برار شش رات براید که دولت مجلس در دست رگمانه
نقد جز بد ایران خرد از صنعت سازد اهمیت زیاد برسانیده است.

نوردی سیدانهم: - فرموده نقد ایران در تمام دولت مجلس در دست گرفتن اکثریت سهام بانک نقد وضع معبر اعدا خواهد کرد. چنان
اینکه ما را بجز بر بعضی اقدام در منطقه با طرف خواهد کرد. اگر دولت تر است بدونه آنگونه که آنگونه در میان است ضرر بر سر اخطار خواهد بود
بر آنجا نیک با نهایت اضطراب و قیاح روانه عطف نظر نمایند اسباب ترسوتر خواهد بود.

مارشیز آنز که بر (نوردی برینور دانیده دولت در سمبل‌نوردی): - از دولت قنبر که نیکو، ایله نوردی شکر شکر و نامبر انبار با نده صند تر است
در آنوقت نوردی در "صداقت انبار داشت که عقاید مردم در باب مطرب بودن راه آهن سراسر ایران هر چه باشد پشت کجی نیست که
بدون آئینه نقشه را نذاکره کرده از مافتن آن امتناع چویم. قیمت حلقه راه آهن سراسر در در ملحات خود و پیشرفت حاصل شده
اجازه که ما داریم این بود که راه را با صحنی نمایند آنگونه را را با سازند. در خارج از منطقه نفوذ ما شده در منطقه روس بر این صحنه را نوردی

(۱۰)

پیام بهارستان / ۳، ۴، ۵، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

باجزه‌ها لازم نخواهد بود. صحیح است که امتداد راه آهن از روسیه تا هندوستان رسماً به عنوان سفید پیم در روسیه و به در هندوستان شده بود و این راه آهن نباید باره آهنی گویید در نقاط مختلف ایران برابر تمامیت ایران کشیده خواهد شد مشتمل شود. شما فرزند اندک باید در نظر داشته باشید که اگر بفرار راه آهن در ایران بر الحاق مافوق صفر را از تمامیت کشیدند تقریباً تمام عمده راه آهن در ایران کشیده شده است. بدیهی است قسمت از راه آهن که هندوستان باید ملحق شود جز در این خطوط محسوب نیست. بر مافوق این قسمت راه آهن فقط بسته با جازه دولت بطور دولت هند است. دولت هند صرفاً گفته اند که امتداد راه آهن از ایران به هندوستان مستعد خصوصاً است و بدو گفته اند که امتداد راه آهن به هندوستان است. راه آهن نیز در مافوق هندوستان به هندوستان کشیده شده که ما مجبور به کشیدن بار ضعیف داریم. اگر در کشور دیگر کشید راه آهن که فقط امتداد آن به هندوستان خواهد بود و در راه که در هندوستان کشیدند این خط ضعیف را به راه آهن سرسبز ایران ندارد و گفته اند که به تمامیت روسیه است چنین ملاحظه شده که تمام مافوق راه آهن از هندوستان ضعیف تا سرانجام مملکت باعث اقدام تمامیت روسیه در آنجا خواهد بود. در باب راه آهن نیز در تمام قطع گفته شده است.

لگانه دارم مافوق شبیه راه آهن نیز در مافوق هندوستان راه آهن در ایران برابر تمامیت کشیدند. ممکن بود که روسها راه آهن را از طهران بطرف جنوب بفرارند کشیدند و ما باید در آن شرکت کنیم ولی ما باید مسئله دفاع هندوستان را که مسئله خیلی عمده است در نظر بگیریم. ما روسیه دوست هستیم و به هر دو طرف در دنیا هم قدرتی دارند که در دوامات دوستانه نباید هیچکس از زمین را از اقدامات

دفاعیه منصرف سازد. در یک مکتب مشیرالایه که مسند آن هنوز تا آام مانده است نیز در بدوین نامس راه آهتر کشیده شود و لا امید و ایم

آنها که سرمایه خود را صرف ساختن راه آهنها در آن فرمایند نافع خوب بدست می‌آورند.

گردان سینه: — عقیده دولت هند در باب راه آهن سرسرایه چیست؟

ما که کوه آذکریه: — ما عرض نظر من بر عقیده شما بر این است که اگر راه آهن هند و ما کشیده شود قطعاً باید از راه هند گذر کند

برایم با قره بجر خود آنرا مدافع نمایم. مرتباً ممکن شود نشست را بعد با این مسد را تقسیم بایمانه ایلم چاره مسد نمیشود که است.

مکن نیست تصور کرد که هیچ حکومتی در هند و ما در پاکستان اجازه بشنیده راه آهن هند و ما کشیده نشود و در آن زمان

در هند و ما کشیده

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ترجمه:
سید احمد آملی

سند شماره ۱۳
۹۱۰

۱۹۰۶
۴ فروردین
بهارستان

۳۵ - ۸

در خصوص نماز برای تندرستی و راجع به درازمانه باید ادرین را بدین شرح
 برای صد چهارم این زمانه عقیقه دولت عید نماز است که ایام عید است
 کردید بجز یکبار این زمانه در اول دهه و اوضاع است و عید در صبح
 به درستی کار یک در لفظ و جمله در صبح این زمانه است تندرستی
 اگر خوب نگویید و عدم در اول دهه عید نماز عید آمده و در اول
 در فصل چهارم این کتاب که در اول این اظهار باید زیاد است
 که این سه روز در فصل چهارم و اواخر در صبح این تندرستی در اول
 و این زمانه شده است که در اول این زمانه است در زمان وقت برای تمام مردم
 که تندرستی و عید است که چنانکه در فصل در صبح این تمام کرد و غیر عید بود
 در سیه ال سلطان شهر کابل که هر روز این زمانه در فصل است که در فصل چهارم
 این در این زمانه است که هر روز این زمانه است که در فصل چهارم
 و در این زمانه است که هر روز این زمانه است که در فصل چهارم
 اگر چه اطلاع به تندرستی در این باب چه نیکو است که این زمانه است
 صلح کرد در صبح

۶۱ - ۶۰۰۲۵۱۶

پیام بهارستان / ۴، س، ۴، ش، ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

سند شماره ۱۴

۲۵ دی ۱۳۲۳

از قدریکه راهپدت رسیده سترپونین دستگیرکنج تنج که در نفر جزای معدن نفت داز
 اهر امریک امتند زدریس لداره لندن ن مکرانی بنا رسیده که بفرنگ برنزد
 فرنگ غیر زدریس هولند و داکتر فرنگ دز لداره معدن نفت نیت داز مسو روزن پندار
 که رئیس دادره معدن نفت قده تربت و حادثت نه است رفته پنج خبری نیت
 داز و سیکه روزن پندار رفته پنج لداره خوابیده هیچ کاری نکنشند دز قدریکه افوا
 در سرحد اهر رسیده کرده دولت عثمانی منع از عبور آب کارخانه معدن نفت از ایلوا
 دبصره تنالند پنج هزار افواهرت و تنم دستگیر حکمت نه پرته مفسر نه به نهمه با کوه کوه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

۸۴ ۲۶۷۴۸ ۲۰۴۰۰